



• آپوئیسیم پیمانی ست غیر قابل انحلال

• آمریکا کنترل برنامه و استراتژی
ایران را بدست می آورد

• صلح، مرز نمی سازد،

مرزهای ساختگی را از بین می برد

• ناشتی و کۆمه لکە ی دیموکراتی

شانسیکی میژووییه بو ئێران

آلترناتیو مجله ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک

سال چهاردهم، نوردی سوم، شمارهی سی و هفتم

خرداد ۱۴۰۴

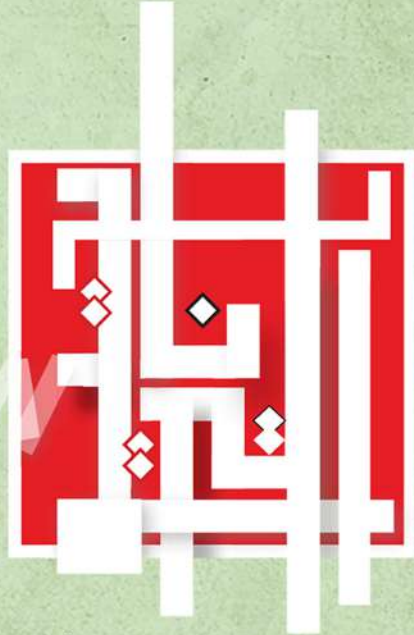
MAY 2025



آلترناتیو

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک





ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/بژاک

آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی

سال چهاردهم، دوره‌ی سوم، شماره‌ی سی و هفتم

خرداد ۱۴۰۴



MAY 2025



مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram: jin_jiyan_azadi2022
mail: presspjak@gmail.com

سخن آغازین



ابعاد سیاسی: مذاکرات و منافع ملی

از منظر سیاسی، ایران و آمریکا هر دو در مذاکرات به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند، اما این منافع با نیازهای مردم ایران هم‌خوانی ندارد. برای ایران، حفظ حق غنی‌سازی اورانیوم به‌عنوان بخشی از استقلال ملی و پیشرفت علمی، خط قرمزی است که بارها توسط مقامات ایرانی، از جمله عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، تأکید شده است. خامنه‌ای نیز در اظهاراتی در سال ۱۴۰۴ تأکید کرده‌اند که «غنی‌سازی قابل مذاکره نیست» و ایران منتظر اجازه هیچ کشوری برای پیشبرد برنامه‌های علمی خود نخواهد ماند. این موضع نشان‌دهنده غیرعلمی‌بودن برنامه‌ای است که با سیاست‌های منفی دو طرف دود آن به چشم مردم ایران می‌رود. زیرا نه داشتن بمب اتمی موجب بازدارندگی می‌شود و نه داشتن نیروگاه هسته‌ای برای مردم و محیط‌زیست خوب است. در هر صورت، این برنامه‌ها فاجعه‌بار است و آخر سر منجر به جنگ، ویرانی اقتصاد، افزایش فقر و بیکاری و گرسنگی و برای اقشار و دهک‌های پایین جامعه منجر به قحطی می‌گردد.

در این میان، خواست آمریکا با تأکید بر توقف کامل غنی‌سازی و محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران، که گویا با هدف تضمین امنیت منطقه‌ای و متحدان خود، به‌ویژه اسرائیل، است، از حیث حقوق مردم کوچک‌ترین اهمیتی ندارد. اظهارات مقامات آمریکایی و ایرانی با اصرار بر مواضع و رویکردهای سخت‌گیرانه‌شان نشانه عدم توجه به مردم و حل مسئله به طرق دموکراتیک است. بنابراین هم تحریم و هم جنگ و هم سازش دیپلماتیک هر سه بشدت بر ضد زندگی مردم ایران است و فلاکت به دنبال می‌آورند. این خصیصه دولت-ملت‌ها هست و از مردم بعنوان قربانی استفاده می‌کنند.

مسایلی چون: کاهش نرخ ارز در ایران از ۱۰۰ هزار تومان به ۸۰ هزار تومان در آستانه مذاکرات سال ۱۴۰۴ که در پی تأثیر روانی گفت‌وگوها بر بازارهای ایران بوده، هیچ نفعی برای مردم ندارد جز اینکه برخی دیگر را به خاک سیاه بنشانند و مابقی در ترس از آینده زندگی کنند.

موضوع این شماره مجله را به موضوع «بی‌توجهی به مردم در مذاکرات آمریکا و ایران» اختصاص می‌دهیم. مذاکرات میان ایران و ایالات متحده آمریکا، به‌ویژه در زمینه مسائل هسته‌ای، همواره یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین موضوعات در روابط بین‌الملل بوده است. این مذاکرات، که در سال‌های اخیر با میانجی‌گری کشورهای مانند عمان و در قالب‌هایی مانند برجام پیش رفته‌اند، نه تنها بر سیاست خارجی دو کشور تأثیر می‌گذارند، بلکه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر زندگی مردم ایران اثرگذار هستند. در این سخن، با تمرکز بر مذاکرات اخیر، به بررسی میزان توجه ایران و آمریکا به مردم ایران در جریان این گفت‌وگوها می‌پردازیم و ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این موضوع را تحلیل می‌کنیم.

زمینه تاریخی مذاکرات ایران و آمریکا

روابط ایران و آمریکا از زمان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی) با چالش‌های متعددی مواجه بوده است. لازم است مردم ایران، به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی مذاکرات، تحت تأثیر مستقیم نتایج آن قرار گیرند، اما ساخت‌وپاخت‌های پشت‌پرده دو دولت طوری است که کوچک‌ترین توجهی به مردم ایران و معیشت آنها ندارند. تحریم‌های اقتصادی آمریکا، که به‌ویژه در دوره «فشار حداکثری» دولت دونالد ترامپ تشدید شد، تأثیرات منفی عمیقی بر اقتصاد ایران، ارزش پول ملی، و معیشت مردم داشته، طوری که فساد و جنایت و حتی موارد خودکشی بخاطر فقر و نداری شدیداً افزایش یافته است. از سوی دیگر، سیاست‌های داخلی ایران و نحوه مدیریت منابع نیز نقش مهمی در وضعیت کنونی مردم ایفا کرده است. در این میان، سؤال اصلی این است که تا چه حد این مذاکرات به نیازها و منافع مردم ایران توجه دارند؟

ابعاد اجتماعی: دیدگاه‌های مردم ایران

مذاکرات ایران و آمریکا در جامعه ایران بازتاب‌های متفاوتی داشته است. بر اساس بررسی‌های میدانی، مردم ایران به سه دسته اصلی در قبال این مذاکرات تقسیم می‌شوند:

دسته اول: بدبین‌ها

بخشی از جامعه ایران مذاکرات را صرفاً یک بازی سیاسی می‌دانند که نتیجه ملموسی برای بهبود زندگی آنها ندارد. آنها معتقدند که در مذاکرات، مردم به معامله گذاشته شده‌اند. این گروه، که شامل افراد با تحصیلات و درآمدهای مختلف از شهرها و روستاها می‌شود، اعتماد خود را به سیاست‌های داخلی و خارجی از دست داده‌اند. آنها معتقدند که حتی در صورت حصول توافق، منافع آن به مردم عادی نمی‌رسد و صرفاً به نفع ساختارهای قدرت خواهد بود.

دسته دوم: خوش‌بین‌ها

گروهی دیگر، به‌ویژه افراد با تحصیلات بالاتر و ساکنان شهرهای بزرگ، مذاکرات را جدی و مهم می‌دانند

و معتقدند که دیپلماسی می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی منجر شود. این گروه اخبار مذاکرات را به‌دقت دنبال می‌کنند و به اصلاحات ساختاری از طریق گفت‌وگو امیدوارند، اما غافلند که هیچ دو دولت-ملتی هیچگاه به نفع مردمانشان سیاست‌ورزی نمی‌کنند و صرفاً حقوق و منافع قدرت دولت‌ها را لحاظ می‌کنند نه معیشت و زندگی مردمان را.

دسته سوم: مخالفان مذاکره

این گروه، که عمدتاً شامل فعالان سیاسی و برخی اساتید دانشگاه است، معتقدند که مذاکرات با آمریکا به دلیل سیاست‌های خصمانه این کشور و عدم اعتماد به تعهدات آن، به نتیجه مطلوب برای ایران منجر نخواهد شد. آنها هرگونه توافق را به معنای واگذاری امتیازات به آمریکا و تضعیف جایگاه ایران می‌دانند. بنابراین چون این مذاکرات در هر صورت یا «سازش به نفع آمریکا» خواهد بود و یا «جنگ به نفع آمریکا» برای مردم ایران فلاکت‌بار است. دو کشور طرف نیز هر بار برای راضی کردن مردمان خود، اقدامات انجام داده و تأثیری را ایجاد می‌کنند تا جوامع‌شان را فریب دهد



چالش‌ها و موانع توجه به مردم ایران
با وجود تلاش‌ها برای پیشبرد مذاکرات، موانع متعددی وجود دارد که توجه به مردم ایران را دشوار می‌کند:

بی‌اعتمادی تاریخی: تجربه خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال تحریم‌های شدید، اعتماد مردم ایران به دولت آمریکا و نظام جمهوری ولایی را کاهش داده است.

اختلافات عمیق: اختلاف بر سر مسائلی مانند غنی‌سازی اورانیوم و مکانیزم ماشه (اسنپ‌بک) مذاکرات را پیچیده کرده و می‌تواند مانع از دستیابی به توافق جامع شود.

فشارهای داخلی و خارجی: در آمریکا، فشار لابی‌های طرفدار اسرائیل و در ایران، ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیک، مانع از انعطاف‌پذیری کامل در مذاکرات می‌شود. پس هرچه هست، بازی قدرت طرف‌های درگیر است.

نتیجه‌گیری

تنوع دیدگاه‌های اجتماعی، بی‌اعتمادی تاریخی، و چالش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهند که توجه واقعی به مردم ایران نیازمند عزم جدی هر دو طرف برای اولویت دادن به منافع انسانی و اقتصادی به جای ملاحظات صرفاً سیاسی است اما این چیزی است که هیچگاه در رفتار و عمل آمریکا و ایران مشاهده نشده است.

برای موفقیت این مذاکرات، ایران و آمریکا باید رویکردی مبتنی بر «عقلانیت استراتژیک» اتخاذ کنند که به بهبود وضعیت معیشتی و اجتماعی مردم ایران منجر شود. در نهایت، موفقیت این گفت‌وگوها به توانایی دو طرف در ایجاد اعتماد و ارائه راه‌حل‌های پایدار بستگی دارد که بتواند زندگی روزمره میلیون‌ها ایرانی را بهبود بخشد چیزی که اصلاً نباید از پدیده دولت انتظار داشت زیرا ذات یک دولت، انحصارات قدرت و سرمایه است نه توجه به معیشت مردم و تاریخ مدام این را ثابت نموده است.

طوری که با کاهش نرخ ارز و بهبود نسبی بازارها در آستانه مذاکرات، حساسیت بالای جامعه به این تحولات را می‌سنجند و می‌کشند که با ایجاد فضایی کاذب، ذهن مردم را فریب دهند.

ابعاد اقتصادی: تأثیر مذاکرات بر معیشت مردم

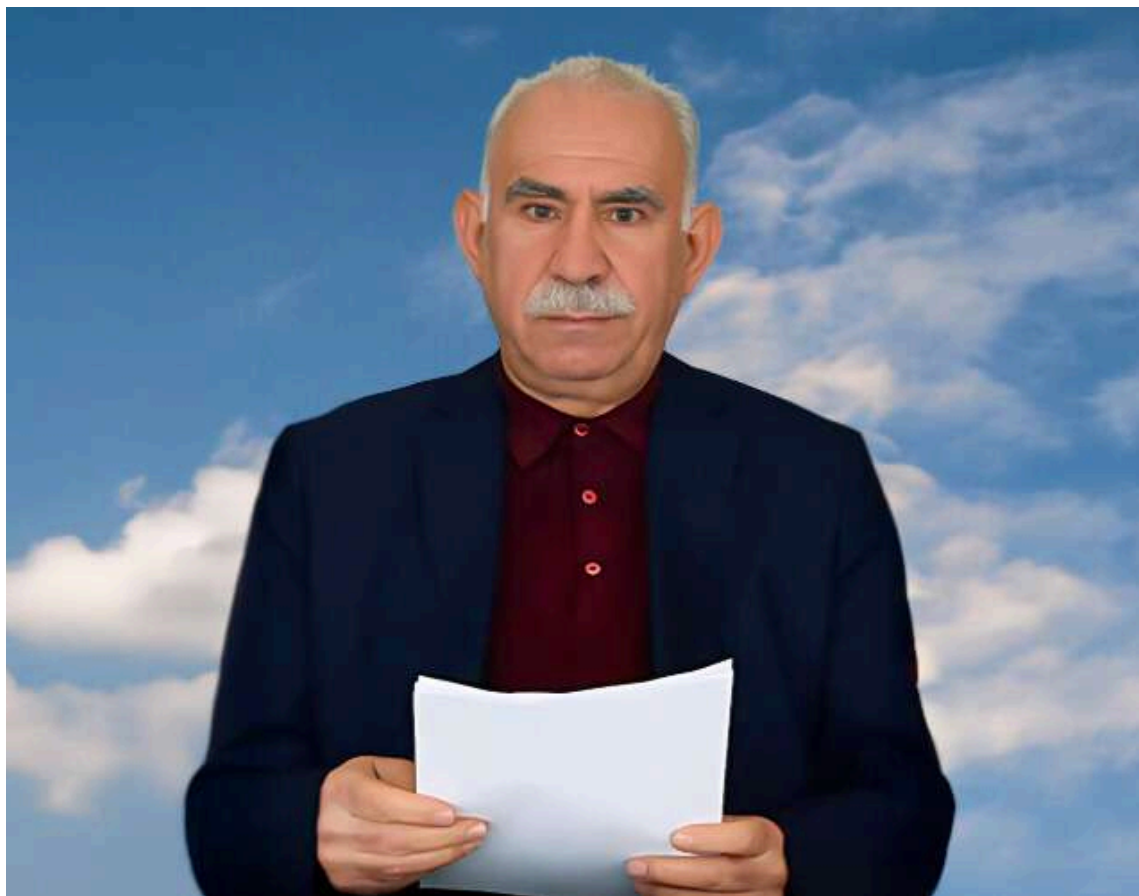
تحریم‌های اقتصادی آمریکا، به‌ویژه در حوزه نفت و بانکداری، تأثیرات عمیقی بر اقتصاد ایران داشته است. کاهش درآمدهای نفتی، محدودیت در دسترسی به بازارهای جهانی، و افزایش هزینه‌های تولید و زندگی، از جمله پیامدهای این تحریم‌ها بوده‌اند. مذاکرات اخیر، به‌ویژه در سال ۱۴۰۴، با هدف کاهش این فشارها و دستیابی به توافقی برای لغو یا کاهش تحریم‌ها انجام نشده است و آنچه تغییر خواهد یافت، تغییر قواعد بازی به نفع دولت‌هاست. تاوقتی که به مردم توجه نشود، بهبود روابط اقتصادی و تجاری، لغو تحریم‌ها، روابط بین‌المللی بانکداری و غیره جز افزایش انحصارات در دست دولت و الیت الیگارش قدرت، نفعی برای مردم نخواهد داشت. حتی افزایش صادرات نفت و کالا و ورود فناوری‌های جدید طوری خواهد بود که سود سرشار آن به جیب دولت و سرمایه‌داران و انحصارگران خواهد رفت.

هکذا مسایل بیکاری و تورم هم بصورت ریشه‌ای حل نخواهد شد و هر چه هست، وعده و وعیدی است که با فریب جامعه برای چندصباحی دیگر، بر عمر خود می‌افزایند.

با این حال، برخی کارشناسان هشدار داده‌اند که بدون مدیریت صحیح داخلی، حتی لغو تحریم‌ها نمی‌تواند به‌طور کامل مشکلات اقتصادی مردم را حل کند. به‌عنوان مثال، اظهارات یکی از مقامات ایرانی در سال ۱۴۰۴ مبنی بر اینکه «حتی صلح با آمریکا مشکل برق ما را حل نخواهد کرد» نشان‌دهنده عمق چالش‌های داخلی است.

قرار نیست که تنش‌های میان ایران بعد از سازش کاهش یابد، ثبات اقتصادی ایجاد شود و معیشت مردم بهبود یابد. اینها صرفاً یک مشت وعده وعید برای ساخت‌وپاخت در پشت پرده است.

مبارزه‌ی سوسیالیستی در این دوره



✍ رهبر آپو

راند، امروزه نیز سوسیالیسم از طرف کاپیتالیسم که رسمیت دارد، سرکوب میشود، آنرا به مذهب تبدیل کرده و میخواهد آنرا فاقد ارزش ساخته و به جامعه نشان دهد که حیات آن غیر ممکن است. همانگونه که دولت خواستار وابسته نمودن علویت – که آنرا میتوان سوسیالیسم اسلامی نامید – به خویش بود و میخواست آنرا از محتوای انقلابی تهی سازد، امروزه کاپیتالیسم نیز به همان شکل بر سوسیالیسم هجوم میبرد. کاپیتالیسم با این هجوم موضعی را بدست آورده و خواستار آن است تا از این طریق سوسیالیسم موجود را نیز به خویش وابسته سازد و در حقیقت تا اندازه ای به این هدف دست یافته است. مثلاً در

خلاصه، آنچه که لازم است در زمان حال انجام شود، بحث و گفتگویی وسیع راجع به وضعیتی است که بعد از فروپاشی رئال سوسیالیسم ظهور میکند. به سخن دیگر، مرحله ای سپری گشت، اما مرحله بعدی چگونه خواهد آمد؟ این را با انجام بحث و گفتگو میتوان واضح و روشنتر نمود. اگر دقت نمائید، میبینید که در طول تاریخ سوسیالیسم بحث و گفتگوهای بسیاری انجام شده، حتی گفتگو میان مذاهب علوی و تسنن در برخی موارد به گفتگوهای کاپیتالیسم و سوسیالیسم شباهت دارد. همانگونه که در طول تاریخ، تسنن به عنوان شکلی از دولت حاکم و رسمی، علویت را به يك مذهب مبدل ساخت و آنرا به کوهها

ترکیه تمام کادرهای قدیمی سوسیالیسم به خدمت کاپیتالیسم شتافته اند، همچنانکه بعضی از نمایندگان علویها این کار را انجام دادند. این امر روندی تاریخی داشته و امروزه نیز چنین است. ما همچنانکه نمیتوانیم مخالفت و مبارزه انقلاب اسلام با ظلم را نادیده بگیریم، نخواهیم توانست مقابله سوسیالیسم با ظلم و استعمار در سطح جهانی و حتی مقابله آن را با خطری که تمام انسانیت با آن روبرو گشته است، نادیده بگیریم. بدون شك در چنین وضعیتی کارهایی برای انجام وجود دارند.

انترناسیونال جدید

سوسیالیسم میتواند به علمیتین و جامعترین مفهوم خویش در طول تاریخ دست یابد. با تحلیل و نگرشی نسبت به زمان حال، میتوان دید که سیستم دو قطبی جهان متلاشی گشته است. امروزه اصطلاحاتی نظیر اردوگاه شمال و جنوب گسترش یافته است. اکنون باید بدانید که منافع مشترك آنان که تا اندازه ای خود را به شكل يك سیستم اداره مینمایند و تمامی انسانهایی که از کاپیتالیسم به تنگ آمدهاند (طبقات و ملتهای ستمدیده) در چیست؟ این نکته به انترناسیونال اول در تاریخ سوسیالیسم شباهت دارد. آنچه که انترناسیونال اول خواستار پیروزی در آن بود، ایجاد اتحاد تمام کارگران، تمام ملتها و نه تنها يك ملت، همچنین ایجاد همبستگی ایدئولوژیکی آنان بود و در این راه تا اندازه ای نیز موفق گردید. انترناسیونال دوم، انترناسیونالی بود که بسیار مردمیتر گردیده و خواستار دستیابی به اقتدار بود اما در رسیدن به موفقیت ناتوان ماند، به همین دلیل فرو پاشید. انترناسیونال سوم که جایگزین آن گردید، انترناسیونال سوسیالیسم دولت شده بود، اما دولت را به شکلی نامناسب بکار برد و بدلیل آنکه سوسیالیسم نحوه رابطه اش با دولت را به شکلی

« برای فرد نیز صدق نموده و لازم و ضروریست. تمامی نیرو و عظمت من از آنجا ناشی میشود که من در شخص خود دست به نوگرایی و نوسازی ایدئولوژیک زده ام و به دلیل آنکه وضعیت ایدئولوژیکی پیشروی دارم، رهبر گشته ام. رسیدن به سطح رهبری ایدئولوژیک، تحلیل حقایق اجتماعی و به ویژه تحلیلات نهایی مان و عملی کردن سوسیالیسم علمی به شیوه ای بسیار ابتکاری، نیرومندی هر چه بیشتر ما را در پی داشته است»

درست حل ننمود، از هم فروپاشید. امروزه نیز نیاز مبرمی به تاسیس انترناسیونالی دیگر وجود دارد و رفته رفته موضوع بحث روز میگردد.

انترناسیونال سوسیالیسم باید چگونه باشد؟ انترناسیونال سوسیالیستی که ایجاد خواهد شد، بایستی سوسیالیسمی را در اولویت قرار دهد که وضعیت تمام انسانها، ملل، قاره ها و مناطقی را که در آن قرار دارند در سطحی جهانی مورد تحلیل قرار دهد. باید سوسیالیسمی برنامه ریزی شده باشد که وضعیت خطرناك تمامی خلقها و طبقات را هشدار دهد. این مرحله، مرحله تجدید بنا خواهد بود و به وقوع خواهد پیوست. مبدا و مبنای سوسیالیستی نیز چیزی جز این نیست. به عبارت دیگر، اگر در جایی مرحله ای طی شود، در جای دیگر مرحله دیگری طی

فاقد ایدئولوژی نخواهد توانست خود را از ابتدایی بودن، بیماری و فروپاشی برهاند. اینها و آنچه را که بیان داشتیم، برای فرد نیز صدق نموده و لازم و ضروریست. تمامی نیرو و عظمت من از آنجا ناشی میشود که من در شخص خود دست به نوگرایی و نوسازی ایدئولوژیک زده ام و به دلیل آنکه وضعیت ایدئولوژیکی پیشروی دارم، رهبر گشته ام. رسیدن به سطح رهبری ایدئولوژیک، تحلیل حقایق اجتماعی و به ویژه تحلیلات نهایی مان و عملی کردن سوسیالیسم علمی به شیوه ای بسیار ابتکاری، نیرومندی هر چه بیشتر ما را در پی داشته است. این نیرو به تمامی نیرویی ایدئولوژیک است و اگر ایدئولوژی به این شکل با سیاست درهم آمیزد، نیرویی عظیم را بوجود خواهد آورد.

خواهد شد. به عنوان مثال، مرحله اتحاد ایدئولوژیک، مرحله ایجاد دولت، مرحله بی بند و باری و انحرافی که ناشی از مشکلات آزمون اول بوده اند (منظور شوروی است) و مرحله پای نهادن به سوسیالیسمی بهتر، مراحل از این گونه اند. این مراحل، مراحلی هستند که وجود داشته و سپری خواهند شد. آنچه که حائز اهمیت است، این است که تمام مشکلات سوسیالیسم و همچنین مشکلات روزانه آن را به شکلی درست چاره یابی کرد. خطوط اصلی این مشکلات را میتوان اینچنین نام برد: سوسیالیسم و دولت، سوسیالیسم و توسعه، سوسیالیسم و معنویات، سوسیالیسم و مسائل ملی، سوسیالیسم و فرهنگ، سوسیالیسم و اقتصاد، سوسیالیسم و خانواده، سوسیالیسم و زن، سوسیالیسم و حق تعیین سرنوشت ملتها، سوسیالیسم و دموکراسی، سوسیالیسم و روابط حزبی؛ همه اینها روابطی هستند که لازم است دوباره مورد بحث و گفتگو قرار گیرند. به دیگر سخن، لازم است که ایدئولوژی سوسیالیسم، مفهوم واقعی خویش را باز یابد. پس از واضحت نمودن و شفاف ساختن این مفاهیم بایستی خود را از نو طرحریزی و پروگرامیزه نماید و به دنبال آن نیز با سازماندهی خویش مرحله عمل و پراتیک را آغاز کند. پیشرفت، تنها با طی مراحل اینچنین امکان پذیر بوده و این امری اجتناب ناپذیر است. شاید امروزه شرایط مساعد و وضعیت چندان پیشرفته ای وجود ندارد و گفتگوها تنها گفتگوهای سطحی و چندان آسود، اما در آینده همچون انترناسیونال اول و دوم و سوم، انترناسیونال چهارم و پنجم نیز انجام خواهند شد.

اگر سیاسی گشتن و اقتدار ایدئولوژی سوسیالیستی را مورد بازبینی قرار دهیم، اکنون نیز میتوانیم به حقیقت خویش بازگردیم. در اینجا مفهوم اصطلاح سیاست را آشکارتر بیان خواهیم داشت. جامعه

صلح، مرز نمی سازد، مرزهای ساختگی را از بین می برد



✍️ رزین کمانگر

در گذشته خویش را از حقایق و مسئولیت‌های تاریخی سر باز زد. سری ثریا اوندرا از آن دسته شخصیت‌هایی بود که شناخت درستی از گذشته‌ی خویش داشت. در خانواده‌ای فقیر بدنیا آمد و در طول دوران نوجوانی، ظلم و ستم وارد شده به جامعه و بویژه‌ی جامعه‌ی کوردستان را از نزدیک لمس و حقایق موجود در جامعه را به نحوی درست درک نمود. نتیجه‌ی این شناخت و درک از ستم موجود بر جامعه‌ی کوردستان، این بود که آقای اوندرا در دوران جوانی همچون پلی برای ارتباط هر چه بیشتر بین فعالین کورد و چپ ترکیه بدل شود. عبارتی سعی داشت که آن تضاد و شکافی که دولت ترکیه در میان ملت‌ها ایجاد نموده بود

در روزهای گذشته، جان باختن سری ثریا اوندرا تاثیر فراوانی بر جامعه‌ی آزادیخواه گذاشت. بدون شک فعالیت چندین ساله‌ی ایشان در راستای ایجاد و برقراری صلح، موجب گردید تا در دل همگان جاودانه بماند. در ابتدای سخن، باید شناختی از شخصیت ایشان داشت، تا بتوان بیشتر به وظایف و نقش روشنفکران و هنرمندان منطقه پرداخت، زیرا که صلح مساله‌ای فرامرزی است و در هر نقطه از جهان باید برای برقراری آن گام برداشت. برای درک حقیقت از خوانش و تحلیلات تاریخ، هم میتوان اصرار بر شناخت و تحلیل صحیح از خویش، جامعه و وضعیت موجود داشت و هم میتوان با فرار از واقعیت و حقیقت موجود

را از بین ببرد و اینگونه درد مشترک میان خلق کورد و ترک را بخوبی برجسته ساخت، درد مشترکی به نام « آزادی و دموکراسی».

موضوع دوم این است که آقای اوندلر از همان دوران جوانی سعی بر این دارد که از طریق سینما و هنر، وضعیت جامعه را به گونه‌ای درست نشان دهد و در همین راستا با ساختن فیلم درک و شناخت خود را به جامعه منتقل نماید. عبارتی بیان مشکلات و بحران‌های جامعه و انعکاس آن در دنیای هنر.

موضوع سوم، وارد شدن ایشان به عرصه‌ی سیاست است. عبارتی خواهان دفاع از حقوق ملت‌ها و مطرح نمودن مساله‌ی آزادی جامعه در عرصه‌ی سیاسی و حقوقی هستند. ایشان بیش از ۸ سال از زندگی خود را در زندان سپری کرده، ۳ بار در ادوار گوناگون دستگیر میشود، اما این دستگیری‌ها نه تنها توان بازدارندگی در مسیر مبارزات و فعالیت‌های ایشان را ندارد بلکه موجب گسترش و انسجام بیشتر فعالیت‌هایشان می‌گردد. پس می‌توان گفت که آقای اوندلر، توانست ارتباط خاصی میان فعالیت‌های سیاسی، هنری و اجتماعی فراهم آورد. رهبر آپو، در یکی از دفاعیات خویش می‌گویند: « سیاست، هنر انقلاب است». آقای اوندلر، سیاستمداری بود که با هنر خود توانست از صلح و دموکراسی سخن به میان آورد و این را دقیقاً از اهداف انقلاب می‌توان نام برد. بویژه اینکه ایشان در سال‌های ۲۰۱۳ به بعد در هیئت امرالی جای گرفت و از فعالین مهم و تاثیرگذار در پروسه‌ی صلح بود و از طریق تربیون‌های مختلف مداوم اشاره به آزادی رهبر آپو و حل سیاسی مساله‌ی کورد داشته‌اند.

موضوعی که باید بدان اشاره نمود، این است که برقراری صلح، از مشارکت در جنگ بسیار سخت‌تر، اما ارزشمندتر است و مبارزه و فعالیتی

«در مصاحبه‌ای سئوالی مبنی

بر کورد یا ترک بودن از ایشان

مطرح می‌شود، و در جواب می‌گوید، اگر چه من ترکمن هستم، اما تا زمانیکه مساله‌ی خلق کورد حل نشود، من کورد خواهم بود.

بعبارتی ناسیونالیسم را یکی از

موانع اساسی رسیدن به دموکراسی

و آزادی می‌دانند. یعنی متوجه

هستند که مشکلات و معضلات

اصلی در ترکیه، از مرکزگرایی، ملی

گرایی و جنسیت گرایی نشات

میگیرد»

بی‌امان و خستگی ناپذیر می‌طلبند. جنگ ویران کننده و نابودگر است، اما صلح سازنده است. در باکور(شمال) کوردستان، خلق کورد اگرچه فشارها و حملات بسیاری را متحمل گشته است، اما بیش از ۵۲ سال مبارزه برای برقراری آرامش و در عین دفاع از هویت خویش را در کارنامه‌ی مبارزاتی خود دارند. در روند تمامی این مبارزات آقای اوندلر از نزدیک شاهد بود که خلق کورد چگونه از رهبر آپو و جنبش آزادی ایشان صیانت به عمل می‌آورد. در مصاحبه‌ای سئوالی مبنی بر کورد یا ترک بودن از ایشان مطرح می‌شود، و در جواب می‌گوید، اگر چه من ترکمن هستم، اما تا زمانیکه مساله‌ی خلق کورد حل نشود، من کورد خواهم بود. عبارتی ناسیونالیسم را یکی از موانع اساسی رسیدن به دموکراسی و آزادی می‌دانند. یعنی متوجه هستند که مشکلات و معضلات اصلی در ترکیه،

از مرکزگرایی، ملی گرایی و جنسیت گرایی نشات میگیرد. اما نقطه مقابل آن و در اندیشه‌ای که بر پایه ی کنفدرالیسم دموکراتیک بنا نهاده شده است، گشایش عمیق سیاسی مشاهده می‌گردد. عبارتی تاکید بر مساله‌ی همزیستی خلق‌ها موجب گردید تا دردهای مشترک و در عین حال درمان مشترک نیز ملموس‌تر و برجسته‌تر گردد. حال با نگاهی به وضعیت اخیر دولت - ملت‌های منطقه در خواهیم یافت که چگونه در طول این سال‌ها مساله‌ی عدم دموکراسی و مسایل آزادی زنان، عدم به رسمیت شناختن هویت ملت‌ها، تخریب اکولوژی، وضعیت منطقه را بحرانی و دچار شکاف نموده است. عبارتی ماحصل سیاست دولت - ملت‌های منطقه از یک سو گسترش جنگ و افزایش مهاجرت بوده و از سوی دیگر موجب تنش و نارضایتی‌های داخلی گشته است. به سیاست‌های اخیر حاکمیت ایران نگاه کنیم، در خارج از مرزها، سیاست‌های جنگ افروزان‌اش، یکی پس از دیگری با شکست مواجه شد. اگر چه کمیته‌ی روابط خارجی جمهوری اسلامی، سعی داشت روابط دیپلماتیک خود را در خاورمیانه گسترش دهد، اما از آن جهت که این روابط برپایه‌ی اقتدار و انحصار در پروژه صدور انقلاب به بیرون از مرزهای حاکمیت خود شکل گرفته بود، با شکست مواجه گردید و در این راستا وضعیت جامعه نه تنها بهبود نیافت بلکه مشکلات به مرحله‌ای بحرانی تر گام نهادند.

در خصوص دولت ترکیه بعنوان یکی دیگر از دولت - ملت‌های منطقه نیز این واقعیت صدق دارد. تاریخ این کشور نیز همواره دستخوش سیاست‌های انحصار طلبانه و انکار هویت ملت‌ها بوده است. سیاست‌هایی که منجر به فجایع انسانی اجتماعی همچون قتل و عام و نسل‌کشی ارمنه و کوردها گشته است. بدون شک این دولت‌ها و

نمونه‌های مشابه آن در منطقه خاورمیانه و جهان همواره سعی نموده‌اند با استفاده از ایجاد تضاد شکاف در میان ملل، اقوام و دیگر تنوعات موجود در جامعه و ایجاد ذهنیت برتری نژادی، جنسیتی و مذهبی در جامعه راه را برای اعمال سیاست‌های ضد بشری خود هموار سازند. ایجاد تفرقه، انکار هویت‌ها، تهاجمات فرهنگی و سلب آزادی‌های اجتماعی و فردی خصوصا آزادی زنان، همراه با اعمال خشونت‌آمیز و پلیسی و سرکوبگرانه چهره دیکتاتوری این حکومت‌ها را علیه جوامع، تاریخ و ارزش‌های آنان را بیشتر برای ما آشکار می سازد. با تمامی این حقایق و وجود چنین وضعیتی که حکام و خصوصا دولت - ملت‌ها بر جوامع تحمیل نموده‌اند، خواهیم فهمید که گذار از این وضعیت یک مبارزه فراگیر و فراملی را می‌طلبد. مبارزه‌ای که می‌بایست مبارزان آن نیز از اندیشه‌ای مترقی و صلح‌جویانه برخوردار باشند. چون با شرایطی که در پی سیاست‌های دولت - ملت بر جامعه واقع شده‌است، مبارزه به شکل سنتی و در چهارچوب‌های منحصر ملی و اتنیکی نه تنها پاسخگو نمی‌باشد؛ بلکه موجب تشدید تناقضات ملی و مذهبی و در نهایت عمیق‌تر شدن شکاف‌های اجتماعی شده که این امر موجب ایجاد بستر و فضای مناسب‌تری برای ادامه سیاست‌های دولت می‌گردد.

پس با چنین درکی از حقایق، اعم از دولت - ملت‌ها و سیاست‌های آنان از یک طرف و جامعه و حقوق و آزادی‌های آن از طرف دیگر میتوان به این نتیجه رسید که در هیچکدام از ساختارهای دولت - ملت، حاکمیت جانب جامعه را نگرفته است و حتی ملتی که در برابر دیگر ملل برتر انگاشته شده است تنها نقش طعمه برای خواسته‌های دولت را ایفا می‌کند. با این اوصاف مبارزه برای گذار از این بحران‌ها و پشت سر گذاشتن ذهنیت

دولت - ملت، مستلزم بازبینی در برخورد با این نظام‌ها می‌باشد.

اگر چه تا اکنون نمونه‌هایی برجسته‌ای از مبارزات و مبارزان انترناسیونالیسم و فراملی و فرامرزی را در جهان شاهد بوده‌ایم اما متأسفانه این نمونه‌های پیشین به دلیل عدم جود اندیشه و پارادایم‌های منطبق با حقایق اجتماعی در این زمینه، به نتیجه مطلوبی نرسیده‌اند. در این میان نادیده گرفتن و یا عدم ایفای نقش جامعه هنری و روشنفکری و نیز جامعه زنان دخیل و برجسته می‌باشد. چرا که این طیف و بخش مهم جامعه از پتانسیل‌های خاصی برای زمینه‌سازی و فراهم ساختن بستر مبارزه‌ای فراگیر و مهمتر از آن در ایجاد سیستم و جامعه‌ای که پس از مبارزات، بتواند همزیستی حقیقی را فرموله، عملی و تضمین شده نماید، برخوردار می‌باشد، که در ابتدای این مطلب نمونه بارزی از این طیف یعنی سری ثریا اوندرا یاد و ذکر نمودیم.

نقش جامعه زنان، روشنفکران و هنرمندان در جوامع کثیرالملل و متنوع، به‌ویژه در مواجهه با تناضعات قومی و ملی بسیار مهم و تاثیرگذار است. این نقش‌ها شامل جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی می‌باشد که در جهت آگاهی‌بخشی و نقد ساختارهای تبعیض‌آمیز می‌توانند با تحلیل ریشه‌های تاریخی، سیاسی و اقتصادی تناضعات ملی و سلب آزادی‌ها، به آگاهی عمومی و خرد جمعی کمک کنند و با نقد ساختارهای نابرابر و نژادپرستانه، به طرح مسائل اقلیت‌ها و زنان بپردازند. زنان، روشنفکران و هنرمندان می‌توانند از طریق موسیقی، ادبیات، سینما و... دردهای مشترک را ترسیم نموده و از این طریق گفتگوی میان تنوعات و ملت‌های گوناگون جامعه را تقویت کنند. این گفت‌وگو، ابزار مهمی برای کاهش سوءتفاهم‌ها و ارتقاء همزیستی

مسالمت‌آمیز است.

در زمان‌هایی که ملی‌گرایی افراطی به نفرت‌پراکنی و خشونت دامن می‌زند، نقش زنان، روشنفکران و هنرمندان در مقابله با این گفتمان‌ها کلیدی است. آن‌ها می‌توانند از طریق آثار و سخنان خود، بر اشتراکات انسانی، همبستگی و حقوق برابر تأکید کنند و راه‌حل‌هایی برای کاهش تنش‌های قومی ارائه دهند. در حقیقت این بخش از جامعه می‌توانند بازغای واقعیت‌های اجتماعی باشند و نقشی پیشرو در ساختن پل میان اقوام، کاهش نفرت و خلق آینده‌ای انسانی‌تر ایفا کنند. از راه‌حل سخن گفتیم، همان‌طور که در این بحث از سری ثریا اوندرا همانند الگویی برجسته ذکر کردیم، لازم و بجا است که از راه‌حل برجسته و پارادایمی منطبق با شرایط مبارزاتی و زندگی اجتماعی جوامع متنوع نیز سخن بگوییم. راه حل کنفدرالیسم دموکراتیک رهبر عبدالله اوجالان که در پی ایجاد جامعه‌ای دموکراتیک مبتنی بر آزادی زنان و حفظ محیط زیست، می‌باشد. نگاه فراملی ایشان به مسأله کورد و حل این مسأله در پروسه‌ای دموکراتیک که تمامی ملت‌ها و تنوعات دیگر را نیز در بر می‌گیرد، و همچنین نگاه تاریخی و منحصر به فرد ایشان در خصوص مشکلات و آزادی‌های زن و در کنار آن نیز رسیدگی به بحران محیط زیست، راه‌حلی را ایجاد نموده است که می‌توان آن را بعنوان راه‌حلی راهبردی برای رهایی انسانیت و جهان از وضعیت موجود دانست که تمامی هستی را مورد تهدید جدی قرار داده است. رهبر اوجالان در آثار و خصوصاً در دفاعیاتشان یعنی "مانیفست تمدن دموکراتیک"، با تحلیلات عمیق تاریخی و نقد و بررسی راهکارها، نظریه و تئوری‌های پیشین سعی بی‌همتایی در طرح و ایجاد چاره‌یابی بحران‌های موجود نموده‌اند. در این آثار ایشان از «ملت دموکراتیک» سخن

می‌گوید. جامعه‌ای که بر اساس همزیستی ملت‌ها، برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی بنا شده، نه بر پایه ملیت، مذهب یا زبان خاص. این نگاه، نمودی از سیاست اخلاقی و اجتماعی محور است که از سیاست قدرت‌محور و مرکزگرا فاصله بسیاری گرفته و نقش جامعه در ایجاد و تداوم آن بسیار مهم و محوری می‌باشد. پیام‌های رهبر اوجالان برای بسیاری از کردها، چپ‌گرایان، زنان و اقلیت‌ها و نیز اکثر آزادیخواهان در منطقه و جهان بعنوان چشم‌اندازی رهایی‌بخش از خشونت، مردسالاری و نژادپرستی مورد استقبال قرار گرفته‌است.

پیام تاریخی اخیر ایشان برای برقراری صلح و آشتی در ترکیه و کل منطقه، نه تنها بازتاب تغییر راهبردی یک جنبش سیاسی - اجتماعی آزادی‌بخش است، بلکه تلاشی عمیق برای تعریف نوینی از سیاست و همزیستی در منطقه‌ای است که گرفتار خشونت، ملی‌گرایی و استبداد شده است. همانا که در سطح فکری و فرهنگی، دیدگاه ایشان تأثیری ژرف بر جنبش‌های آزادی‌خواه، به‌ویژه میان زنان، جوانان و اقلیت‌ها در منطقه گذاشته و بازتابی جهانی بهمراه داشته است. این پیام تاریخی و اقدامات جنبش آزادی‌خواهی تحت رهبری ایشان در واقع طرحی برای صلح پایدار، دموکراسی مردمی و همزیستی ملت‌ها است که فراتر از مرزهای قومی و جغرافیایی می‌اندیشد. این نظریه با وجود مخالفت‌های شدید از سوی دولت‌های منطقه، الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی و آزادی‌خواه، به‌ویژه در کوردستان، خاورمیانه و حتی فراتر از آن شده است.

در پایان، نکته حائز اهمیت در این زمینه نقش و تاثیر زنان، هنرمندان و روشنفکران در به ثمر نشاندن این امر مهم است که خود رهبر آپو به آن تاکید نموده است. نقشی که می‌تواند بسته به

«در جوامع ایران نیز این مسئولیت بر دوش زنان، جوانان، هنرمندان و روشنفکران بیشتر سنگینی نموده و برای رهایی از وضعیت موجود و ایجاد جامعه و ملت دموکراتیک که زمینه‌های آن در موزاییک تنوعاتی ایران فراهم‌تر و میسرتر نیز هست، باید شاهد ظهور طیف کثیری از این شخصیت‌های فراملی و دموکراتیک باشیم»

موضع‌گیری‌شان، سازنده یا مخرب باشد. آنانی که جانب حقیقت، آزادی و انسانیت را می‌گیرند، در کاهش تنش‌های ملی و ساختن جامعه‌ی دموکراتیک و صلح‌آمیز، نقشی تعیین‌کننده دارند. بنابراین لازم و ضروری است که این طیف سازنده جامعه با در نظر گرفتن مسئولیت تاریخی، اخلاقی و تعیین‌کننده‌ای که بر دوش دارند در این زمینه ایفای نقش نمایند. بدون شک ایران نیز مستثنی از این وضعیت و قاعده نبوده و نمی‌باشد. در جوامع ایران نیز این مسئولیت بر دوش زنان، جوانان، هنرمندان و روشنفکران بیشتر سنگینی نموده و برای رهایی از وضعیت موجود و ایجاد جامعه و ملت دموکراتیک که زمینه‌های آن در موزاییک تنوعاتی ایران فراهم‌تر و میسرتر نیز هست، باید شاهد ظهور طیف کثیری از این شخصیت‌های فراملی و دموکراتیک باشیم که نقش پل ارتباطی میان تنوعات و ملت‌ها و همچنین ایجاد ذهنیتی مبتنی بر ضرورت مبارزه مشترک در رفع دردهای مشترکمان باشیم.

آپوئیسم پیمانی ست غیر قابل انحلال

- ابر انسان واکنش را به سطح پیمان ارتقاء خواهد بخشید - «فریدریش نیچه»



اهون چیاکو ✍

سازماندهی اجتماعی و فراحزبی ارتقاع یافت و در سال ۲۰۰۵ جای خود را به سیستم وسیعتری تحت نام - کنفدرالیسم جوامع کوردستان - ک ج ک، داد. در واقع ک ج ک مدل سازماندهی کنفدرالیسم کوردستان بود که در نوروز ۲۰۰۵ توسط رهبر آپو (عبدالله اوجالان) اعلام شده بود. متعاقب آن نیز طی کنگره‌ای - کنفدرالیسم جوامع کوردستان - ک. ج. ک، به‌مثابه سازماندهی انضمامی کنفدرالیسم تاسیس شد. از سال ۲۰۰۶ و بعد از بازتاسیس تا برگزاری کنگره دوازده‌هم خود پ ک ک جدید بعنوان یکی از نیروهای پیشاهنگ این سیستم فعالیت داشت.

البته فارغ از تاریخ دور و میانی جنبش آپویی و فراز و نشیب‌های که در آن عبور کرده، مشخصا

اعلام کنگره دوازده‌هم پ ک ک در تاریخ ۹. ۵. ۲۰۲۵ که طی روزهای پنجم تا هفتم ماه مه ۲۰۲۵ در مناطق حفاظتی میدیا برگزار شده بود، بویژه اعلام انحلال پ ک ک و توقف جنگ مسلحانه، بازتاب جهانی یافت و موجب بحث و مناقشات گسترده‌ای در سطح کوردستان، خاورمیانه و جهان شد. درواقع این تصمیم در تاریخ جنبش آپوئیستی بی‌سابقه نبوده و در سال ۲۰۰۲ نیز چنین تصمیمی اتخاذ گشت. آن زمان نیز طی کنگره‌ای انحلال پ. ک. ک اعلام گشت و بجای آن - کنگره آزاد و دموکراتیک کوردستان - موسوم به "کادک" تاسیس شد. اما بعد از چهار سال و در سال ۲۰۰۶ بار دیگر طی کنگره‌ای مجدداً پ ک ک موجودیت خود را اعلام کرد. کادک نیز بعنوان یک

« رهبر آپو سعی کرد مبارزه طبقاتی و اجتماعی را از چنبره محدود اکونومیسم و مبارزه ملی را از چنبره خوانش‌های ملی‌گرایی ابتدایی و کولتوریسم رفرمیستانه نجات دهد. مبارزه اجتماعی و ملی را با سایر مسایل و جنبه‌های حیات آزاد و دموکراتیک بویژه مسئله زن جوش دهد»

دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی سند این مدعاست. در اینجا میتوان تألیفاتی از قبیل راه انقلاب کوردستان، مسئله خشونت در کوردستان، مسئله شخصیت در کوردستان و... که با تلاش رهبر آپو به رشته تحریر درآمدند و راه مبارزه جنبش و خلق کورد را روشن کردند بر شمرد. این تلاش‌ها به موازات یک فعالیت عملی فشرده سیاسی، سازمانی، نظامی و انقلابی پیش می‌رفت. تاسیس پ ک ک در سال ۱۹۷۸، مقاومت زندان و بویژه زندان آمد در طول دهه ۸۰، آغاز کارزار ۱۵ آگوست ۱۹۸۴ و آغاز مبارزه مسلحانه پ ک ک، کنگره سوم پ ک ک و دستاوردهای آن از مصادیق بارز این فعالیت‌ها و عمل انقلابی جنبش می‌باشند.

با آغاز دهه ۹۰ میلادی و فروپاشی شوروی جهان دو قطبی ظاهراً به نفع کاپیتالیسم و زیان سوسیالیسم پایان یافت. در چنین وضعیتی رهبر آپو با رویکردی انقلابی - اصرار بر سوسیالیسم اصرار بر انسان بودن است - را بعنوان کلان روایت مبارزاتی جنبش اعلام کرد. سوسیالیسمی که هم مسائل اجتماعی را با تمام وسعت خود در نظر بگیرد و هم راه‌گشای ارتقاء مبارزه ملی در

در این دوره نیز، تصمیم اخیر امری ابتدا به ساکن نبوده و اخذ آن حداقل به تحولات ۶ ماه گذشته متکی می‌باشد. بویژه پیام تاریخی ۲۸ فوریه ۲۰۲۵ رهبر آپو در امرالی به این فرایند سرعت بخشید. در واقع برای درک درست موضوع ابتدا باید پرسش‌هایی را طرح کرد و در تلاش پاسخ درست آنها برآمد. پرسش‌هایی از قبیل: چرا جنبش آپویی چنین تصمیمی را اتخاذ نمود؟ جنبش در چه سطحی از مبارزه بود؛ آیا در موقعیت ضعف بود یا قوت که چنین تصمیمی را گرفت؟ جوانب درون سازمانی و فرایند صلح را چگونه باید ارزیابی کرد؟ تفاوت این مرحله با مراحل قبلی پروسه آشتی در چیست؟ چه احتمالاتی را می‌توان پیش‌رو گذاشت و تخمین زد؟

در واقع طرح پرسش درست خود نیمی از پاسخ است. تلاش برای ارائه پاسخ درست نیز موضوع را کامل می‌کند. شاید تلاش جهت پاسخ پرسش‌های مزبور در حد خود بتواند زوایایی از مسئله را روشنتر گرداند. در نتیجه تلاش را بر این مبنا خواهیم گذاشت. لازم به ذکر است که جنبش آپویی هرچند در بدو ظهور خود با توجه به اقتضای زمان و ویژگی زمانی و مکانی که در آن ظهور یافت، بعنوان یک جریان مارکسیستی و لننیستی اعلام موجودیت کرد و به اقتضای طبیعت جریان‌های مارکسیستی و لننیستی حل مسئله کارگری و رهایی ملی را به سرلوحه مبارزاتی خود معرفی کرد ولی با توجه به انعطاف ذهنی، توان تفسیر و درایت فکری، اجتماعی، سیاسی و نظامی رهبر آپو، همچنین با توجه به ویژگی‌های کوردستان و خاورمیانه هیچگاه وضعیت ایستا و جزم‌اندیشانه را برای خود روا ندید و مدام بدنبال یافتن راهکارها و ساختارهای نوین مبارزاتی، سیاسی و سازمانی بود.

تلاش‌های تئوریک و تحلیلات رهبر آپو در

«رهبر آپو نیز بعد از تعمق درونی و مشورت بیرونی با اتکا به بنیان فلسفه سیاسی خود یعنی - اصرار بر اصول و انعطاف در سیاست - آغاز مرحله‌ای جدید از پروسه صلح را اعلان نمود و مسئولیت آنرا برعهده گرفت»

۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ تلاش‌های زیادی جهت حل مسئله با راهکارهای مسالمت‌آمیز و غیره نظامی به خرج داد. در این دوره علی‌رغم اوج قدرت جنبش و توان گریلایی آن، رهبر آپو چند بار اعلام آتش‌بس کرد. البته این تلاش‌ها همیشه با موانعی همچون جنگ‌طلبی دولت ترکیه، مانع‌سازی نیروهای جهانی و منطقه‌ای که حل مسالمت‌آمیز مسائل خاورمیانه و بویژه مسئله کورد را بر نمی‌تابیدند؛ روبرو می‌گشت. نارسایی‌هایی که در درون جنبش وجود داشت و از درک کامل رهبر آپو ناتوان بود نیز مزید بر علت بود.

لازم به ذکر است اینکه در دوره دهه ۷۰ و ۸۰ جنبش آپویی بیشتر وسعتی کوردستانی داشت و طبق آن راهکار ارائه میداد، دهه ۹۰ در نتیجه فعالیت‌های نستوه رهبر آپو جنبش ما به یک جنبش خاورمیانه‌ای تبدیل شد و طبق آن راهکار ارائه می‌داد. در واقع نیروهایی که این جوانب از شخصیت و مبارزه رهبر آپو و جنبش تحت رهبری آن را بر نمی‌تابیدند با توطئه بین‌المللی ۱۹۹۹ جواب آن را دادند. این نیز حاوی مرحله نوینی شد که از آن زمان تا کنون ربع اول قرن بیست و یکم را در بر می‌گیرد. مرحله‌ای پر از فراز و نشیب که اشاره‌ای مختصر به آن خالی از لطف نمی‌باشد.

رهبر آپو سعی کرد مبارزه طبقاتی و اجتماعی را از چنبره محدود اکونومیسم و مبارزه ملی را از چنبره خوانش‌های ملی‌گرایی ابتدایی و کولتوریسم رفرمیستانه نجات دهد. مبارزه اجتماعی و ملی را با سایر مسایل و جنبه‌های حیات آزاد و دموکراتیک بویژه مسئله زن جوش دهد. همچنین سعی کرد که مبارزه مسلحانه را از رویکردهای کلاسیک و منحط بیرون بکشد و آن را در جهت تکمیل مبارزه؛ همسو با سایر عرصه‌های مبارزه، اعم از عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هماهنگ سازد. برای درک این دوره از مبارزات جنبش آپویی، میتوان به تالیفاتی همچو اصرار بر سوسیالیسم اصرار بر انسان بودن است، چگونه باید زیست، رهبریت و سیاست آپوئیستی، رهبریت و خلق، مبارزه با اشرارگری و... که حاوی تحلیلات قوی رهبر آپو در آن دوره میباشند رجوع کرد.

همچون دوره نخست، فعالیت‌های فکری این دوره توسط رهبر آپو نیز هم‌راستا با بخش زیادی از فعالیت‌های عملی پیش می‌رفت. فعالیت‌هایی که رهبر آپو در مدیریت آنها در جایگاه اول قرار داشت. فعالیت‌هایی از قبیل ارتقاء جنگ گریلایی، پیشبرد مرحله نخست پروسه صلح در سال ۱۹۹۳ که با حذف تورگوت اوزال از سوی دولت پنهان ترکیه پایان یافت، احداث تلویزیون مد تی وی و ده‌ها نهاد اجتماعی و سیاسی در میهن و خارج از میهن و... در زمره فعالیت‌های این دوره می‌باشند. رهبر آپو تا اندازه‌ای توانست در کنگره ۴ و ۵ پ ک ک با توجه به ارتقاء فکری و رویکردی خود در مبارزه و اقتضای مرحله تغییراتی را صورت دهد. ولی دگماتیسم موجود در فضای کلی آن زمان در درون جنبش و خارج از جنبش در برابر تلاش‌های رهبر آپو برای تغییرات ریشه‌ای مانع‌سازی می‌کرد. از سوی دیگر رهبر آپو از سال



مقابلشان ایستاد و با اتخاذ دو تصمیم در عرصه سیاسی - ایدئولوژیک و دفاع مشروع این اقدام را نیز خنثی نمود. یکی از این دو تصمیم راهگشا بازگشت گریلا به عمق خاک شمال کوردستان و فعالیت در چارچوب دفاع مشروع بود. تصمیم دوم نیز اقدام به بازتأسیس پ ک ک بود که در سال ۲۰۰۲ منحل اعلام گشته بود.

در واقع تاکتیک‌ها و اقدامات پارادایمی و استراتژیک رهبر آپو در این سال‌ها برای تجدید قوا، نجات جنبش از تبعات توطئه بین‌المللی ۱۹۹۹ و مهمتر از همه فراهم کردن بستر مناسب جهت عبور از پارادایم قبلی و گذار به پارادایم نوین بود. از طریق این اقدامات علی‌رغم موانع بزرگ و کوچک جنبش پ ک ک در نیمه دوم دهه نخست قرن بیست و یکم قوی‌تر از پیش ظاهر شد و دولت ترکیه را ناچار کرد که درخواست مذاکره نماید. در نتیجه آن نیز مذاکرات اسلو در سال ۲۰۰۹ بین پ ک ک و دولت ترکیه آغاز شد. این مذاکرات هرچند نتیجه مطلوب به همراه نداشت و به شکست انجامید و دوباره تنش‌ها و جنگ بالا گرفت ولی به مطرح‌تر شدن مسئله

در واقع رهبر آپو در سیستم شکنجه امرالی قرار داده شد تا به زعم دولت ترکیه با کمترین هزینه از نتایج مبارزات جنبش آپویی که گریبانگیرشان شده بود خود را رها سازند. ولی رهبر آپو با درایت و صلابت تمام در مقابلشان ایستاد. از سویی تاکتیک‌های نتیجه بخشی را برای نجات جنبش اتخاذ نمود و به جنبش ارائه داد. تاکتیک‌هایی از قبیل عقب نشینی گریلا در سال ۱۹۹۹ از شمال کوردستان به جنوب کوردستان و اقدام به انحلال پ ک ک در سال ۲۰۰۲. از سویی دیگر نیز رهبر آپو دست به یک تغییر پارادایم زد و عبور از پارادایم دولتی به سوی پارادایم جامعه دموکراتیک را اعلام کرد.

در حالی که رهبر آپو در دفاعیات خود تحلیل‌ات قوی و منطبق با پارادایم نوین را به جنبش و خلق‌مان ارائه می‌داد و در نتیجه اقدامات رهبر آپو جنبش در مسیر خنثی کردن توطئه پیش می‌رفت، اینبار برای جلوگیری از این تلاش‌ها توطئه‌گران از طریق عناصر تصفیه‌گر درون سازمان سعی بر تصفیه جنبش طی سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۲ نمودند. البته رهبر آپو با درایت کامل در



نماید. دولت‌های ابرقدرت جهانی بویژه آمریکا، دولت‌های منطقه‌ای و مزدوران کورد نیز با تمام توان از آن حمایت کردند. ولی با وجود تمام این‌ها نتوانست نتیجه‌ای مطلوب خود را کسب کند. جنبش ما هرچند در نیمه اول این جنگ ۱۰ ساله بدلیل سطح بالای فناوری‌هایی که دولت ترکیه از آن استفاده می‌کرد متحمل ضرباتی شد ولی با پشتکار و توان و درایت گریلا و در موازات با جنگ یا به نوعی دیگر در درون جنگ، گریلا توانست تاکتیک دفاع و حمله را در مقابل فناوری نوین جنگ فراگیرد. از سویی دیگر توانست در راستای خنثی کردن تکنولوژی نظامی دولت ترکیه و حمله به مواضع دشمن استفاده از فناوری را در سطحی قابل‌ملاحظه‌ای فراگیرد. این نیز موجب شد در نیمه دوم این دوره‌ی جنگ ۱۰ ساله یعنی از ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ گریلا از موضع دفاعی به موضع تعرض عبور کند و به توان خود ارتقاء بخشد. به واقع از بدو تاسیس جنبش ما، گستره جنبش بیشتر کوردستانی بود و از دهه ۹۰ قرن گذشته دایره نفوذ آن منطقه‌ای (خاورمیانه‌ای) گشت، در قرن بیست و یکم بدلیل انعطاف و توان

کورد در سطح بین‌المللی انجامید و توان سیاسی و دفاعی جنبش را نیز ارتقاء بخشید.

جنبش در ابتدای دهه دوم قرن بیست و یکم در شمال کوردستان بسیار قوی‌تر ظاهر شد و در روزآوای کوردستان نیز بعد از رسیدن موج ناآرامی‌ها به سوریه توانمندانه ظاهر گشت و به نیرویی قوی و مردمی تبدیل شود. این نیز باعث شد که دوباره دولت ترکیه به امرالی برود و خواستار دور جدیدی از مذاکرات شود. در چنین وضعیتی بود که رهبر آپو در نوروز ۲۰۱۳ پروسه صلح را اعلام نمود. در این دوره مستقیماً با مرکزیت امرالی مذاکرات پیش رفت و تا حدودی هم پیشرفت‌هایی کسب نمود. در نهایت منتج به قرائت مفاد توافق توسط وزیر کشور ترکیه در دوله باغچه شد. اما در منتهای مراتب اردوغان به همه توافقات پشت‌پا زد و پروسه توسط اردوغان به هم خورد.

دولت ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ به مدت ۱۰ سال تمام توان نظامی، سیاسی و دیپلماتیک خود را در چارچوب طرحی موسوم "به زانو درآوردن" به کار بست تا جنبش را نابود

پارادیگماتیک آپوئیسم جنبش پ.ک.ک داری نفوذ جهانی گشت. انقلاب روزآوا و انقلاب ژن، ژیان، آزادی در شرق کوردستان و ایران به وضوح این توان پارادیگماتیک را به نمایش گذاشتند. در عین حال دولت ترکیه بدلیل ناکام ماندنش در جنگ ده ساله با اهرم‌های فشار داخلی و بین‌المللی مواجه شد. تا جایی که موجودیت خود را در خطر دید. در نتیجه این بار دولت باغچلی رهبر حزب حرکت ملی بود که به نیاز بازگشت به امرالی و استمداد از رهبر آپو روی آورد. رهبر آپو نیز بعد از تعمق درونی و مشورت بیرونی با اتکا به بنیان فلسفه سیاسی خود یعنی - اصرار بر اصول و انعطاف در سیاست - آغاز مرحله‌ای جدید از پروسه صلح را اعلان نمود و مسئولیت آنرا برعهده گرفت.

در واقع رهبر آپو در طول سال‌های رهبری خود بویژه از دهه ۹۰ قرن گذشته به بعد مدام به سه طریق عمده مهر تأیید به توان رهبری خود گذاشته است. راه اول اتخاذ تاکتیک و ستراتیژیک توانمند با توجه به متغیرات رئال‌پلتیک و ژئوپلتیک برای ارتقاء سطح مبارزه عملی، راه دوم فعالیت تئوریک و معرفت‌شناختی جهت بالا بردن سطح آگاهی، فرهنگی و اجتماعی جنبش و

«امروز پ ک ک به یک فرهنگ

اجتماعی در سطح کوردستان،

خاورمیانه و جهان؛ و تفکری جهان

گستر تبدیل شده است که شاید

نام آپوئیسم و یا جنبش آپویی

ردایی برازنده‌تر بر تن آن باشد.

این جنبش دیگر از یک واکنش به

یک پیمان تبدیل شده است»

جامعه و راه سوم ایجاد بستر و پیشقدمی جهت حل مسألت‌آمیز و از طریق سیاست دموکراتیک و با پرهیز از خشونت، میباشند. این مرحله نیز مستثنای از این موارد نیست و اگر راه سوم تاحدودی به نیت دولت بستگی داشته باشد، دو راه دیگر کاملاً امری درون جنبشی و اجتماعی می‌باشند. باید گفت در این مرحله نیز رهبر آپو در سطح بالاتری بر راه اول و دوم متمرکز می‌باشد و حقیقتاً باید مسأله را چنین درک کرد.

با توجه به تحلیلی که صورت گرفت میتوان گفت که جنبش آپویی با اتکا به یک اندوخته و تجربه مبارزاتی چنین مرحله‌ای را آغاز نموده است. همچنین کاملاً در موضع قدرت و سطح توانمندی بالای نسبت با مراحل قبلی قرار دارد و وارد مرحله نوین شده است. جنبش در مقایسه با ادوار قبلی انسجام‌یافته‌تر و در خط آپویی ژرف‌تر و شفاف‌تر می‌باشد. این بار اقدامات جنبش بیش از پیش، مورد تأیید محافل داخلی، منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است. در درون دولت ترکیه حتی اگر صوری نیز باشد اجماع بیشتری نسبت به دوره‌های قبلی مشهود است و بخش زیادی از این موارد تفاوت این مرحله را در مسیر مثبت نسبت به ادوار قبلی جدا می‌سازد.

در واقع اکنون توپ به میدان دولت ترکیه پرتاب شده است. اگر دولت ترکیه حسن نیت جنبش آپویی را بصورت صحیح مورد ارزیابی قرار دهد و زمینه سیاسی و حقوقی را هموار سازد مرحله به نتیجه‌ی مطلوبی خواهد رسید. دولت ترکیه اگر در این راستا گام بر ندارد با حمایت‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی که از حسن نیت جنبش آپویی شده است، بدون تردید بر محبوبیت، مقبولیت، مشروعیت و توان جنبش افزوده میشود و دولت ترکیه رسوای زمانه می‌گردد. بیش از پیش نیز فشارهای درونی و خارجی بر او فزونی

می‌یابند. در عین حال انگهائی از قبیل تروریست که ناحق بر جنبش آپویی چسبانده‌اند، تجزیه طلب، ناهمخوان با موازین دموکراتیک و... را که استعمارگران کوردستان بعنوان دستاویزی جهت مشروعیت‌زدایی از جنبش بکار می‌برند را از کف خواهند داد.

در واقع رهبر آپو در تمام اظهارات اخیر خود با تمام انعطافی که به خرج می‌دهد همچنان بر اصول اصرار مبرم دارد. یکی از این اصول موجودیت واحد ملی - اجتماعی کورد و کوردستان و امر سوسیالیسم می‌باشد. هرچند اندویدیالیسم و لیبرالیسم کردن مسئله مطلوب دولت کورد است، ولی رهبر آپو بعنوان یک امر غیرقابل تعویض حل مسئله را در رابطه بین دو واحد اجتماعی و ملی کورد و ترک ذکر می‌کند. این نیز نشان می‌دهد که هیچ گونه مسامحه‌ای مبنی بر انکار حقوق ملی و اجتماعی کورد پذیرفتنی نیست. از سوی دیگر سوسیالیسم بعنوان نقطه مقابل ایدئولوژی رسمی دولت نیز یکی از اصول و اهداف مبارزاتی غیرقابل معامله می‌باشد. در واقع به دلیل اصرار راسخ بر همین اصول بنیادین است که رهبر آپو در یکی از پیامهای خود می‌گوید: هیچانی که در حین تاسیس پ ک ک، در من وجود داشت، در این مرحله نیز با همان هیجان وارد عمل می‌شوم.

از سویی دیگر امروز پ ک ک به یک فرهنگ اجتماعی در سطح کوردستان، خاورمیانه و جهان؛ و تفکری جهان گستر تبدیل شده است که شاید نام آپوئیسم و یا جنبش آپویی ردایی برازنده‌تر بر تن آن باشد. این جنبش دیگر از یک واکنش به یک پیمان تبدیل شده است. پیمان با آرمانهای والا، تفکر آزادی و ارزش‌های والا که هزاران شهید قهرمان در اوج این ارزش‌ها قرار دارد. هیچ نیرویی نمی‌تواند دم از انحلال این پیمان نهاده‌شده بزند. در واقع این نه تنها بطلان نیست، بلکه

«بدون تردید مرحله بر سایر بخش‌های کوردستان تاثیر قابل‌ملاحظه خواهد داشت. بویژه جنبش ما در تمام بخش‌های کوردستان و از جمله پژاک تابع پارادایم، افکار و رویکردهای چاره‌یابی آپوئیسم می‌باشد. ولی از لحاظ عملی به سطح مبارزه و سازماندهی جنبش ما در آن بخش و نوع برخورد دولت حاکم بر آن بخش از کوردستان بستگی دارد»

پرتاب به میدانی پر حرارت‌تر از قبل در امر فعالیت و مبارزه می‌باشد. مرحله‌ای که شاید ابزارات منسوخ شده‌ای را کنار بگذارد و ابزارات جدید مبارزاتی را ابداع کند، ولی سه ابزار بنیادین یعنی ضرورت نیروی پیشاهنگ، سازماندهی و خود دفاعی همچنان و قویتر از قبل از اصول بنیادین این مرحله نیز می‌باشند.

مورد دیگری که بسیار مورد پرسش است این موضوع می‌باشد که این مرحله چه تاثیری بر سرنوشت سایر بخش‌های کوردستان و جنبش آپوئیستی آن بخش خواهد داشت. بویژه تاثیرات آن بر شرق کوردستان و مشخصاً پژاک چه خواهد بود. بدون تردید مرحله بر سایر بخش‌های کوردستان تاثیر قابل‌ملاحظه خواهد داشت. بویژه جنبش ما در تمام بخش‌های کوردستان و از جمله پژاک تابع پارادایم، افکار و رویکردهای چاره‌یابی آپوئیسم می‌باشد. ولی از لحاظ عملی به سطح مبارزه و سازماندهی جنبش ما در آن بخش و نوع برخورد دولت حاکم بر آن بخش از کوردستان بستگی دارد.



نیز شامل نیروهای چپ جزم‌اندیش، بیگانه با روح زمانه و ناسیونالیست‌های تنگ نظر و بی‌بصیرت می‌باشند. در واقع نیروهای معلوم‌الحالی که بدون شناخت از تفکرات آپوئیسم و جنبش ما خود را به تحلیلات سست‌بنیاد می‌سپارند و همچون همیشه محکم سرشان به سنگ می‌خورند و این بار نیز چیزی عایدشان نخواهد گشت.

در واقع برای تحلیل درست از پدیده‌ای ابتدا باید از درک درست برخوردار بود و برای درک درست نیز باید در پی کسب شناخت درست بود. کسانی که این قاعده را پیروی کنند هم برخورد درست را پیشه خواهند کرد و هم اینکه به بخشی از نیروی پیشبرد مرحله درخواست خواهند آمد. در غیر این‌صورت جز رسوایی چیزی حاصل نخواهد گشت.

مرحله نوین با عکس‌العمل‌هایی گسترده در کوردستان، منطقه و جهان روبرو گشت. طیف وسیعی از آن با توجه به ملاحظات معقول، نگرانی‌های پسندیده و نقدهای مشفقانه نگاه مثبتی به آغاز مسئله داشتند و از آن حمایت کردند. البته مانند تمام مراحل که جنبش آپوئی طی کرده است این مرحله نیز با موجی از شایعه پراکنی و جنگ روانی دشمنان جنبش آزادی روبرو گشت که بطور یقین نمی‌تواند تأثیری عمیق برجایی بگذارد. تعدادی از نیروهای خائن کورد به فرافکنی می‌پردازند و سعی دارند رویکردهای تسلیمیت‌طلبانه و ترک میدان (آش‌بتال) خود را به جنبش تعمیم دهند و از این طریق به انحراف اذهان پردازند. بدون تردید قدرت‌تئوریک و عملی جنبش آپوئی، مانند مراحل قبلی آن اقدامات را خنثی خواهد کرد. در عین حال نگاه‌های تنگ‌نظرانه‌ای هم به مرحله در میان می‌باشند که بیش از حسن نیت جنبه دگماتیک و جزم‌اندیشانه آنها مورد تأمل می‌باشد. این طیف

سرآغازی دوباره در سپهر سیاسی کوردستان و خاورمیانه



✍️ قاسم انگین

مراحل و دوره‌های خودش را داشته است که در این جستار کوتاه پرداختن به آنها ممکن نیست و موردی که مطمح نظر این جستار است کنگره دوازدهم حزب کارگران کوردستان می‌باشد که اکنون حدود دو هفته از آن می‌گذرد، کنگره‌ای خارق العاده که هم دوستان و هم دشمنان جنبش آزادی کوردستان را به حیرت واداشت. استقبال از این کنگره مانند بسیاری دیگر از رویدادهای تاریخی نظاره‌گران را به دو دسته‌ی موافق و مخالف تقسیم کرد. عده‌ای با توجه به موقعیت پیش آمده و تغییرات جاری در خاورمیانه آن را گامی مثبت ارزیابی نموده‌اند و عده‌ای دیگر که به طیف‌های گوناگون مخالف تقسیم شده‌اند، آنان نیز دارای دو طیف عمده‌اند، طیف نخست از احزاب و دسته‌های ملی‌گرای کلاسیک کوردی هستند که عاری از هرگونه

۵۲ سال از نوروزی گذشته است که در آن برای نخستین بار رهبر خلق کورد به همراه ۵ تن از رفقاییش بیان داشتند که "کوردستان مستعمره است" و بر اساس همین جمله تصمیم به گام نهادن در راستای رهایی آن از چنگال استعمار کردند. راهی بسیار صعب که برای بسیاری غیر ممکن مینمود، غیر ممکن همانند سبز شدن شاخه و برگ از تخته‌ای خشک و خالی. امروز و پس از ۵۲ سال آن راه صعب دیگر همانند قبل دشوار نمی‌نماید زیرا با رهبری رهبر آپو و جانفشانی هزاران تن از شهدای آزادیخواهی که جان خویش را در این راه فدا نمودند و همچنین با همکاری خلق میهن دوست و آزادیخواه کوردستان و دیگر خلق‌ها این راه دیگر بیش از هر زمانی هموار شده است. راه پر فراز و نشیبی که در طی این ۵۲ سال پیموده شده

«استقبال از این کنگره مانند بسیاری دیگر از رویدادهای تاریخی نظاره‌گران را به دو دسته‌ی موافق و مخالف تقسیم کرد. عده‌ای با توجه به موقعیت پیش آمده و تغییرات جاری در خاورمیانه آن را گامی مثبت ارزیابی نموده‌اند و عده‌ای دیگر که به طیف‌های گوناگون مخالف تقسیم شده‌اند»

در بین پ‌ک‌ک و دولت ترکیه، دولت ترکیه با همه‌ی توان خود جنبش آزادیخواهی کوردستان را مورد حملات اشغالگرانه‌ی خود قرار داد و بنا به اذعان مقامات دولت ترک تصمیم به زانو درآوردن جنبش کوردستان گرفته شده بود و برای اجرای آن از مبدل نمودن شهرهای کوردستان به تلی از آوار تا استفاده‌ی مداوم از پهبادهای و تکنولوژی‌های جنگی مدرن در جغرافیای کوردستان فروگذار نکرد و هر سال وعده‌ی حذف پ‌ک‌ک از تریبون‌های مختلف دولت شنیده می‌شد، با گذشت قریب به ده سال از این جنگ دولت ترکیه نه تنها به خواسته‌های خود نرسید بلکه از لحاظ نظامی نیز در میادین جنگ به صورت تدریجی برتری خود را از دست می‌داد و این موارد روز به روز بر نگرانی‌های ترکیه می‌افزود. با شروع رویدادهای ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تغییرات جدیدی در منطقه رخ دادند که در مضمون خود مسائلی جهانی و فرا منطقه‌ای به همراه داشتند و همه‌ی آن‌ها خبر از آن میداد که غربی‌ها و بالاخص آمریکا با کزیدور آیمک و

درکی سیاسی هستند که برخاسته از اراده‌مندی آنها باشد و بیش از آن که دیدگاهی واقع بینانه به مسئله داشته باشند در صددند که با شکست جلوه دادن این کنگره، شکست‌ها و عقده‌های تاریخی خود را موجه نشان بدهند و فارغ از هرگونه خودانتقادی بیان دارند که سرنوشت همه جنبش‌های کوردستان منتهی به شکست هستند مگر آن که نیروهای خارجی از آن حمایت کنند. طیف عمده‌ی دوم نیز اشغالگران کوردستان هستند که بدون اشاره به چاره‌یابی مسئله‌ی کورد با هوچی‌گری سعی بر غالب کردن تفسیر خود از این پروسه‌ی تاریخی را دارند. فارغ از آن سوگیری‌های مغرضانه آنچه که باید به آن پرداخت این است که در این دوره‌ی حساس که درگیری هژمونی‌های منطقه‌ای و جهانی در خاورمیانه به حداکثر خود رسیده و رویدادهای سیاسی به کانال پیش‌بینی ناپذیری وارد شده‌اند آیا کنگره‌ی دوازدهم پ‌ک‌ک دستاوردی برای خلق کورد و آزادیخواهان خواهد داشت؟ قبل از پرداختن به پاسخ این پرسش الزامی است که این مهم را در نظر داشت که مبدل شدن مبارزات کوردها با پیشاهنگی پ‌ک‌ک به یکی از عوامل و بازیگران اساسی تغییرات منطقه‌ای نه به دلیل التفات و سیاست ابر قدرت‌هاست بلکه دلیل اساسی آن مبارزات متکی به ذات پ‌ک‌ک است. با بیان مقدمه‌ی فوق پاسخ دادن به دو پرسش حائز اهمیت است:

۱- آیا این کنگره انتخاب ناگزیر پ‌ک‌ک بود و برگزاری آن ناشی از جبری است که اراده‌ی پ‌ک‌ک در آن دخیل نیست؟

۲- آیا تغییرات ریشه‌ای در پ‌ک‌ک تنها محدود به این مرحله هستند؟

در خصوص پرسش اول باید گفت که پس از خاتمه و به فرجام نرسیدن مذاکرات ۲۰۱۵

پیمان ابراهیم در صدد آن است که اسرائیل را در منطقه به نماینده هژمونی غرب در خاورمیانه مبدل نماید. برای عملی نمودن این پروژه ابتدا حماس و نیابتی‌های جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفتند، قبل از حمله به حماس، ترکیه نیز از جریان مذاکرات و پروژه‌های جدید آمریکا مبنی بر تبدیل اسرائیل به نیروی هژمونیک در منطقه و کم‌اهمیت نمودن ژئوپلیتیک ترکیه نگرانی داشت و به همین سبب حمله‌ی حماس به اسرائیل را به عنوان رخدادی همسو با منافع خویش میدید و احتمال آن می‌رود که یکی از حامیان حماس برای حمله ۷ اکتبر دولت ترکیه بوده باشد. تا قبل از گسترده شدن جنگ ترکیه علیرغم نگرانی‌هایی که داشت جایگاه خود را به عنوان شریک در پروژه‌ی جدید همچنان محفوظ میدانست اما با گسترده‌تر شدن جنگ و سرایت آن به لبنان و سوریه واهمه‌ی احتمال اینکه خود ترکیه نیز هدف باشد در دولتمردان ترک بیشتر شد و بیش از احتمال در واقع به یقین مبدل گشت. از این رو دولت ترکیه بیش از پیش

«در مورد تغییرات رادیکال در پکک نیز باید گفت که تغییرات و تجدید و نوسازی سازمان امری مستمر است که محدود به دوره‌ای خاص نیست و همین امر نیز راز مقاومت و پایداری پکک در تلاطمات منطقه‌ای و جهانی می‌باشد، امری که همواره توام با خودانتقادی و گشودن افق‌های نوین فلسفی و سیاسی است»

ناگزیر شد که برای حفظ موقعیت خود علیرغم ماهیت فاشیستی‌اش باردیگر مسئله‌ی کوردها را مطرح کند، البته این مسئله نیز خود در داخل دولت چالش‌ها و جناح‌گیری‌های متفاوتی را به همراه داشته است. رسیدن به چنین مرحله‌ای قبل از هرچیز اراده، پایداری و مقاومت پکک را نمایان می‌سازد و همچنین بر این امر صحنه می‌نهد که پکک نیرویی اراده‌مند است که نقشی تاثیرگذار را در معادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند. در روند کنونی دولت ترکیه گرچه برخوردی سطحی و تاکتیکی می‌کند اما حضور پکک در روند جاری نه تاکتیکی بلکه خواهان چاره‌یابی مشکلات به شیوه‌ی دموکراتیک است تا منشاهای دریای خون خاورمیانه و بحران کنونی را بخشکاند. پکک در روند کنونی اگر خواهان برخوردی تاکتیکی و پراگماتیستی با مسائل باشد زمینه‌ی آن فراهم است و ابرقدرت‌ها نیز خواهان چنین برخوردی هستند اما بایستی نیک بر این امر واقف بود عدم چاره‌یابی ریشه‌ئی معضلات جنگ‌ها و عدم دموکراتیزاسیون خاورمیانه را به همراه خواهد داشت که در اینصورت نه خلق کورد و نه هیچ خلقی در آسایش عنان سرنوشت خویش را به دست نمی‌گیرد.

در مورد تغییرات رادیکال در پکک نیز باید گفت که تغییرات و تجدید و نوسازی سازمان امری مستمر است که محدود به دوره‌ای خاص نیست و همین امر نیز راز مقاومت و پایداری پکک در تلاطمات منطقه‌ای و جهانی می‌باشد، امری که همواره توام با خودانتقادی و گشودن افق‌های نوین فلسفی و سیاسی است. تاسیس پکک در قرنی روی داد که به عبارتی قدرت سیاسی از لوله‌ی تفنگ درمی‌آمد و همین مبنای همه‌ی مبارزات سازمان‌ها و احزابی بود که برای رهایی ملی و ایدئولوژی سوسیالیستی مبارزه

شد. پس از طی ۴۷ سال از حیات پکک، نه تنها در چارچوب حزبی محدود نشده بلکه ارزش‌هایی را خلق کرده است که در تاریخ و جامعه‌ی کوردستان و خاورمیانه همواره ماندگار است و مبارزات آتی آزادیخواهانه‌ی خلق کورد و دیگر خلق‌ها با پیوند خوردن به ارزش‌های خلق شده‌ی آن ممکن می‌گردد. حال و پس از ۴۷ سال پکک رسالت تاریخی خود را ایفا نموده و بر اساس دستاوردهای آن آغازی مجدد در مبارزات آزادیخواهانه‌ی خلق کورد که مصمم بر پیشاهنگی برای نهادینه‌سازی دموکراسی در خاورمیانه است شروع می‌شود، پکک علیرغم تغییرات گسترده‌ای که انجام داده بود اما میراث سوسیالیسم واقعا موجود را همچنان با خود یدک میکشید و انحلال آن قبل از هرچیزی اصلاح و دگرگون نمودن میراثی است که در مقابل نهادینه گشتن سوسیالیسم دموکراتیک ممانعت به عمل می‌آورد. در اثنای این تغییرات پی‌درپی و پرشتاب رهبر آپو و پکک دوباره حرکتی خارق عادت را انجام دادند که شجاعت و جسارتی بس سترگ می‌طلبد که از عهده‌ی هر جنبش یا کسی بر نمی‌آید. تغییر در شیوه‌ی مبارزاتی جنبش آزادیخواهانه‌ی کوردستان برای بسیاری تکان‌دهنده بود زیرا در این منطقه نه تغییر چندان مرسوم است و نه هدف و وسیله به آسانی قابل تمیز هستند البته بسیاری نیز از این بابت نگرانی دارند که اگر ترکیه در راستای احقاق حقوق ملت کورد گام ننهد آن وقت جنبش آزادیخواهانه‌ی کوردستان به چه سرنوشتی دچار خواهد شد که در این مورد باید گفت که نه رهبر آپو و نه جنبش آزادیخواهی کوردستان بی بدیل نیستند و استراتژی‌های دیگری را برای دنبال کردن دارند.

مینمودند. پکک نیز از این قاعده مستثنا نبود و مرکز ثقل مبارزاتش را مبارزات مسلحانه شکل میداد، در واقع این شکل از مبارزات سازماندهی جامعه را تنها بر اساس مقتضیات مبارزات مسلحانه انجام می‌داد و جامعه و سازماندهی آن که عبارت بود از رهانیدن آن از تودگی به خودی خود اهمیتی نداشت در نتیجه جامعه و آحاد آن اراده‌مند نشده و سوژگی سیاسی را به دست نمی‌آوردند. در نتیجه‌ی چنین منطقی بسیاری از جنبش‌های رهایی ملی در بسیاری از کشورها به دیکتاتوری‌های نظامی‌ای مبدل شدند که بعدها همان توده‌هایی که از آن‌ها حمایت کرده بودند مورد ستم و استثمار قرار می‌گرفتند. رهبر آپو که خود مؤسس پکک بود نیک بر نتایج جنبش‌های رهایی بخش ملی آگاه بود در نتیجه هیچگاه تسلیم چرخه‌ی بازتولید دیکتاتوری نگشت و به عبارتی این اصل را در نظر داشتند که در جریان مبارزه با هیولا باید مراقب بود که خود نیز به هیولا تبدیل نشویم. از همین رو از کنگره‌ی سوم، پنجم، سال ۱۹۹۸ و همچنین سال‌های پس از زندان در جزیره‌ی امرالی همواره تغییرات بنیادی سرلوحه‌ی اساسی دستورالعمل‌های مبارزاتی رهبر آپو بوده است. در سال ۲۰۰۲ برای نخستین بار پکک به کنگره‌ی آزادی و دموکراسی کوردستان KADEK تغییر یافت اما به سبب وجود جناح تصفیه‌گر و اپورتونیست داخلی روند مذکور به اهداف خود نرسید در نتیجه تنها تشکل یافتن دوباره تحت عنوان پکک می‌توانست پراکندگی و گسست آن مرحله گذار نماید. پس از آن مرحله دیگر پکک به حزبی سیاسی - نظامی صرف که از قرن بیستم بازمانده بود تبدیل نشد (اگرچه پکک همواره به عنوان جنبشی در کوردستان نمایان شده) بلکه سوژه نمودن و اراده‌مند نمودن جامعه به دغدغه و گفتمان اساسی آن مبدل

«برساخت جامعه دموکراتیک و آزاد»



✍ بیستون مختاری

را باقی نگذاشته است و اینکه طرح‌ریزی هرگونه توطئه‌ای دیگر از سوی دول حاکم بر چهاربخش کوردستان و یا هم‌پیمانی آنها با یکدیگر علیه خلق کورد تنها می‌تواند جنگ و ظلم و ستم را تشدید کند و به جوامع غیرکورد خصوصا جامعه ایران آسیب جدی برساند. تنها راه مبارزه با این قبیل توطئه‌ها نیز برساخت یک جامعه اخلاقی، دموکراتیک، سیاسی و آزاد است که فاشیسم در منطقه را کنار زده و این مهم را خلق‌ها می‌توانند با پشتیبانی هم به انجام برسانند.

واقعیت امروز این است که نظام قدرت‌پرست ایران همراه با هژمونی جهانی برای انقیاد خلق‌های تحت‌ستم و نگاه‌داشتن آنها در همین وضعیت، در مسایل کلان سیاسی مماشات می‌کنند. آنکه در درجه اول و آخر ضرمند است، خلق‌ها هستند. دولت‌ها فقط به معامله در خصوص خلق‌ها دست می‌زنند تا بقای خود را حفظ کنند. بنابراین تنها راه، هموار کردن راه مردم در روژه‌لات کوردستان و ایران برای

امروز کوردستان و خاورمیانه ناچارند همانند اروپا که پس از دو جنگ جهانی اول و دوم یک وضعیت صلح‌جویانه میان خود برقرار ساختند، نوعی صلح و دموکراسی برقرار سازند. برای این مردمان تحت‌ستم، راهکارهای برون‌رفت از بحران‌ها، جنگ‌ها و سلطه‌گری‌ها و رهایی از فاشیسم را در این سال‌ها رهبرآپو بخوبی نشان داده، اما راه اصلی را نیز برابری و دموکراسی‌خواهی خلق‌های منطقه قراردادده است. در این بین جغرافیای ایران بیش از همه به این امر نیاز دارد. آنهم با پارادایمی که برساننده «جامعه دموکراتیک و اکولوژیک مبتنی بر آزادی زن» برخوردار باشد؛ چونکه رهیافت اصلی در همین پارادایم نهفته است. آیا مثلا در ایران نیازی غیر از دموکراتیزه کردن جامعه، نجات محیط‌زیست از نابودی و آزادی زنان وجود دارد؟! بی‌شک خیر. سراسر ایران و روژه‌لات کوردستان به این سه اصل آزادی بنیادین نیاز دارند. لذا یا جنگ یا این آزادی سه‌گانه. زیرا سیستم فاشیست ولایی حاکم در ایران راهی غیر از این‌ها

انجام مبارزاتی سازماندهی شده و دموکراتیک است. اینک بزرگترین پتانسیل مبارزه در درون جوامع و خلق‌ها وجود دارد تا آنجا که حتی دولت حاکم نیز نیروی خود را از جامعه می‌گیرد. ایجاد زمینه‌ای برای ممانعت از بهره‌گیری نظام‌های سلطه‌گر از پتانسیل و نیروی خلق‌ها یگانه وظیفه در درجه نخست است. امروز در کوردستان و ایران شکل‌گیری نطفه یک جنبش اجتماعی را به عینه می‌بینیم. زمانی یک جامعه مدنی تصمیم به تحول ریشه‌ای گرفت، بالاخره روزی این را متحقق می‌سازد پس رژیم سلطه‌گر کنونی ایران هراندازه تقلا کند یارای مهار این روند را نخواهد داشت. شاید برای مقاطعی کوتاه سرکوب و اعدام کند و زندان را به وسیله ارعاب مبدل کند، اما بالاخره جامعه راه خود را خواهد رفت. امروزه نیاز ایران به یک تحول است که با مبارزه مستمر ممکن می‌گردد. خلق کورد هم نیازهایی بسیار دارد که وی را با خلق‌های ایران موازی می‌سازد. وقتی کل جامعه این تغییر را برای ایران می‌خواهد، تنها راه، بر ساخت یک جامعه آزاد برای آن است و بزرگترین نقش را خود خلق‌ها با تمامی اقشار و توده‌های آن می‌توانند بازی کنند. انتظار از این و آن و یا از دولت سلطه‌گر برخود که امروز انتظار خلق‌های ایران نیست. خودشان جنبشی را شروع کرده‌اند و ادامه خواهند داد. جنبشی برای رسیدن به جامعه‌ای دموکراتیک! و این میسر نمی‌شود مگر به شرط آنکه در امر نظام آترناتیوی که لازم است جایگزین وضع موجود شود، از شفافیت بالایی برخوردار باشند؛ همچنین تفکر و اراده‌ی لازم را در امر نهادینه‌سازی برنامه‌ی سیاسی و مدل اجتماعی خود در جامعه داشته باشند. پیداست که تنها دموکراتیک‌ترین پروژه‌ها می‌توانند جوامع تشنه‌ی آزادی، صلح و ثبات خاورمیانه را با خود همراه و همنوا سازند. هیچ یک از دولت‌های خاورمیانه با وضع کنونی خود قادر نیستند جوامع و مطالبات آن‌ها را با پروژه‌های کنونی خود همراه و سازگار نمایند. در این زمینه نیروهای غیردولتی انقلابی و مردمی که قادر باشند برنامه‌های دموکراتیک خود را در جامعه به خوبی شناسانده و پایگاه اجتماعی کسب کنند قادر

خواهند بود در خاورمیانه‌ی آینده باقی بمانند. اکنون خاورمیانه بیش از همیشه به تفکرات دموکراسی‌خواه انقلابی نیاز دارد؛ زیرا آتش کنونی جنگ می‌تواند کل این منطقه را به یک ویرانه‌ی کامل مبدل گرداند. با این تفاسیر و تعریف‌ها بحث مهم و اصلی این‌روزها، برگزاری کنگره دوازدهم یا بهتر بگوییم آخرین حزب کارگران کوردستان بنا بر فراخوان رهبرآپو و خروجی‌های آن در راستای پایان بخشیدن به خطمشی مبارزات مسلحانه و جایگزینی آن با خطمشی مبارزات سیاسی- دموکراتیک می‌باشد. کنگره‌ای که در راستای احقاق حقوق خلق کورد و بر ساخت جامعه دموکراتیک و آزاد می‌باشد را بعنوان مرحله‌ای نوین و تاریخی و در جهت برون‌رفت مبارزات خلق کورد از وضعیت کنونی و حل مسئله خلق‌ها از طریق راه‌حلی صلح‌آمیز را دیده و آن را شانس دیگری در جهت آرامش منطقه قلمداد می‌نماید. در فضای متشنجی که در منطقه برقرار است، گذار به مرحله‌ای که مسئله کورد با توسل به راهکارهای سیاسی - حقوقی، حل گردد، نیازی است که بسیاری از آلام و آسیب‌های منطقه را التیام خواهد بخشید. انجام و تداوم مبارزات در بستری سیاسی و دموکراتیک راه رسیدن خلق کورد و دیگر خلق‌های ساکن به «حیات آزاد»ی را هموار می‌نماید، بدون شک، این مبارزه دموکراتیک در مرحله کنونی با مشارکت مستقیم و پیشاهنگی رهبرآپو میسر خواهد شد. گام نهادن به مرحله‌ای نوین و پیشبرد آن به پیشاهنگی رهبر آپو تضمینی خواهد بود در جهت سیر سالم این مرحله. بر ساخت جامعه‌ای دموکراتیک و آزاد در باکور کوردستان و ترکیه در پایان این پروسه بازتابی تاریخی و ریشه‌ای بر تمامی بخش‌های کوردستان و منطقه‌ی خاورمیانه خواهد گذاشت. زیرا راه حل جامعه‌ی دموکراتیک توسط رهبرآپو سازماندهی ملت دموکراتیک غیردولتی خلق کورد می‌باشد. در کنار نهادهای متعلق به دولت‌های ایران، سوریه، عراق و ترکیه، یعنی جغرافیایی که خلق کورد در آن به سر می‌برد، در حکم ساختاری است که خواسته‌های مردم کوردستان را بر آورده می‌سازد.

«این نظام دموکراتیک در مقابل نظام دولت-ملتی سلطه‌گر قرارداد و جامعه بدون یک نظام دموکراتیک و غیرمتمرکز هرگز به آزادی دست نخواهد یافت. از این منظر این یک شانس بزرگ و تاریخی برای بر ساخت جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک در روژه‌لات و ایران است»

بخش دارای اختیار تصمیم‌گیری در ارتباط با تمامی موضوعات مرتبط با مردمان آن بخش می‌باشد، در ارتباط با تصمیمات اتخاذ شده، توجه و اعتنای به منافع عمومی خلق کوردستان و توازن روابط بخش — کل را اساس قرار می‌دهد.

آنچه مسلم است به منظور رسیدن به این اهداف بر ساخت سیستم خودمدیريتی دموکراتیک جامعه با هدف آزادی تمامی تنوعات آن در ایران و روژه‌لات کوردستان علیه نظام سلطه‌گر هدف اساسی جامعه آزادیخواه و دموکراسی طلب است. همچنین پرواضح و مبرهن است، تا زمانی که جامعه‌ای آزاد در سطح جهانی در مقابله با نظام انسان‌ستیز سرمایه‌داری و مدرنیته تبه‌گر آن بر ساخته نشود، جوامع به آزادی دست نخواهند یافت. ریشه تمامی مسایل و بحران‌های بشریت در نظام سرمایه‌داری روئیده و نیاز به مبارزاتی برحق در راستای بر ساختن جامعه‌ای دموکراتیک غیرمترکزگرا دارد. تمامی سیستم‌های آلترناتیوی که داعیه مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری را دارند، تنها با تحقق دموکراسی رادیکال و سیستم غیرمتمرکز می‌توانند به اهداف خویش برسند. امروز سیستم متمرکز و سلطه‌گر دولت - ملتی که بر بنیان ملی‌گرایی، فاشیسم و نژادپرستی برآمده، به ماشینی برای نابودی کامل جامعه مدنی مبدل گشته است. هر آنچه تحت نام بحران و جنگ و فقر جریان دارد، بدست نظام استثمارگر سرمایه‌داری ترویج داده

این ساختار کنفدرالیسم دموکراتیک نام دارد که ساختاری دولتی نمی‌باشد. به عنوان طرز و شکل اظهار و بیان عناصر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و ... ، ساختاربخشی و سازماندهی آن به شکلی دموکراتیک می‌باشد. در اینجا سازمانی بودن صدها نهاد به طور یکجا و واحد موضوع بحث است. به عنوان مثال سازماندهی‌های جوانان و زنان، واحدهای محیط‌زیستی؛ انجمن‌های روستاها و محلات، شوراهای کارگری و دانشجویی و اصناف و همکاری آنها را می‌توان برشمرد. فعال نمودن و اتحاد سازمان‌های جامعه‌ی مدنی می‌باشد. این پروژه از نظر ذاتی، روابط کوردها را با دولت‌هایی که در آنها به سر می‌برند بر اصولی صلح‌آمیز و دموکراتیک خواهد نشانند و از طرفی، روابط کوردهای چهار بخش کوردستان با همدیگر، یکپارچگی کشورهایی که در آن قرار دارند و صلح خاورمیانه را تهدید نمی‌نماید. راه حل کنفدرال، در حالی که موجد سیستم مناسبات مرتبط‌دهنده میان بخش‌های کوردستان و کوردهای خارج از میهن می‌باشد، در میان خلق‌های منطقه نیز بستر روابط دوستانه مبتنی بر اشتراک و منفعت دوطرفه را توانمند می‌نماید.

به این طریق کوردستان کنفدرال دموکراتیک کلید کنفدراسیون خاورمیانه دموکراتیک خواهد شد.

ساختار جامعه مدنی‌ای است که مظلومان، اقشار ستمدیده و خلق‌ها آن را ایجاد نموده‌اند. می‌توان به آنها کنفدراسیون جامعه مدنی هم گفت. کنگره خلق به عنوان تنها ارگان اراده‌مند خلق کوردستان از طریق مشارکت خلقی که در چهار بخش کوردستان به سر می‌برند، شکل می‌گیرد. «مجلس خلق کوردستان» که متشکل از ۳۰۰ عضو می‌باشد مختص به یک بخش نمی‌باشد. برنامه و تصمیماتی که اتخاذ می‌نماید در ارتباط با عموم خلق کورد می‌باشد. خلق کوردستان به چهار بخش تجزیه شده، در هر بخشی سیستم کنفدرال خویش را تاسیس نموده و بکار می‌گیرد. ارگان قضایی، اجرایی و قانون‌گذاری از اشخاص مناسب، باکفایت و دارای صلاحیت از طرف مجلس شکل می‌گیرد. همان‌گونه که مجالس هر

می‌شود چرا که مدام از منشأ همین بحران‌ها و جنگ‌ها تغذیه می‌کند. در سراسر جهان مبارزات سوسیالیستی برای رهایی بشریت از زیر یوغ نظام سرمایه‌داری و مدرنیته ویرانگر آن همانند همیشه ادامه دارد و این سیر مبارزاتی و آزادیخواهی هیچگاه متوقف نشده و نخواهد شد. نظریه برساخت جامعه دموکراتیک امروز از منظر مبارزه علیه نظام‌های سلطه‌گر و مرکزگرا که دشمن دموکراسی و جامعه آزاد هستند، یک شانس بزرگ برای روژه‌لات کوردستان و ایران است. هدف در اینجا این است که به جامعه‌ای که از هر نظر از سوی نظام سلطه‌گر سلب اراده شده و تمامی آزادیهایش منع گشته، به قدرت خودمدریتی دموکراتیک در قالب نظام دموکراتیک دست یابد. این نظام دموکراتیک در مقابل نظام دولت-ملتی سلطه‌گر قرارداد و جامعه بدون یک نظام دموکراتیک و غیرمتمرکز هرگز به آزادی دست نخواهد یافت. از این منظر این یک شانس بزرگ و تاریخی برای برساخت جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک در

«راه رهایی از نسل‌کشی و حصول

به آزادی در غالب یک جامعه‌ی

دموکراتیک، همین مسیر مبتنی

بر ارزش‌دهی به تمامی تنوعات و

تکثرها در ایران و روژه‌لات است.

جامعه‌ای که در آن زنان در رأس

تمامی پدیده‌ها مورد استثمار فزاینده

قرار می‌گیرند و این رویه در ایران

به نقاط کائوتیک رسیده، تنها با

برساخت نظامی دموکراتیک به

آزادیهایش دست می‌یابد؛ زیرا آزادی

زن در رأس آزادی جامعه انسانی و

نجات محیط‌زیست قرارداد»

روژه‌لات و ایران است. بنابراین جنبش انقلابی امروز در برهه انتخاب یک نظام دموکراتیک و یا تداوم نظام سلطه‌گر دولت-ملت برای آینده خویش قرارداد. در ایران امروز خلق‌ها و جوامع از هرگونه اراده و نیروی مدیریت دموکراتیک خویش محروم گردانده شده‌اند و نظام دولت-ملت ایرانی سلطه‌گر بر آنها تحمیل شده است. خیزش‌ها و مبارزات مداوم خلق‌ها علیه این نظام سلطه‌کماکان ادامه دارد و لازم است با توسل به پروژه صلح و آشتی رهبرآپو راه آن را به روشنی مشخص ساخت.

خلق‌کورد در روژه‌لات که بیش از یک قرن است با نسل‌کشی فرهنگی و آمیلاسیون روبرو است، منشأ تمامی سلطه‌گری‌ها را سیستم متمرکز و سلطه‌گر در ایران می‌داند. در این برهه تاریخی هیچگاه مبارزات خلق‌کورد در چارچوب ایران و روژه‌لات متوقف نگشته و حتی یک لحظه از خواست آزادیخواهانه و دموکراتیک خود دست برنداشته است. دهها سال مبارزه بی‌امان بالاخره به دستاوردی چون این سیستم منتج شده است. لازم است جامعه برای اراده‌مندی و آفرینش نوین خویش این سیستم را همچو شانس بزرگ ارزیابی نماید. در گذشته بزرگترین خلأ در جریان مبارزات خلقمان در روژه‌لات و ایران، فقدان یک سیستم خاص جامعه بود که همه اندیشه‌ها و تفکرات را درخود جمع نماید و نظام دموکراتیک جامعه متکثر و متنوع و خلق‌های متعدد را برساند. بر بنیان این فلسفه خلق‌ها در برابر سلطه دولت-ملت تجهیز می‌گردند و در پایان جامعه‌ی دموکراتیک را بنا خواهند نهاد.

نتیجه اینکه راه رهایی از نسل‌کشی و حصول به آزادی در غالب یک جامعه‌ی دموکراتیک، همین مسیر مبتنی بر ارزش‌دهی به تمامی تنوعات و تکثرها در ایران و روژه‌لات است. جامعه‌ای که در آن زنان در رأس تمامی پدیده‌ها مورد استثمار فزاینده قرار می‌گیرند و این رویه در ایران به نقاط کائوتیک رسیده، تنها با برساخت نظامی دموکراتیک به آزادیهایش دست می‌یابد؛ زیرا آزادی زن در رأس آزادی جامعه انسانی و نجات محیط‌زیست قرارداد.

آمریکا کنترل برنامه و استراتژی ایران را بدست می آورد



رامین صبا ✍

اقتصادی، تجاری و دیپلماتیک، یک وجه ویژه به خود بخشیده است. رفتار شدیداً پراگماتیستی و منفعت‌پرستانه‌اش که خصلت رفتاری یک تاجر می‌باشد، او را به شخصیتی غیرقابل‌پیش‌بینی مبدل نموده است. اما این خصلت بدان معنا نیست که او در همه زمینه‌ها برنامه‌های مورد علاقه شخص خود را اجرایی می‌کند. او مجری برنامه، استراتژی و تاکتیک نظام حاکم آمریکا است. دولت و حکومت یک سیستم کلی را تشکیل می‌دهند که یک رئیس‌جمهور نیز باید به همه برنامه‌های آن پایبند باشد. لذا ترامپ نیز بدون توجه به برنامه نظام حاکم، نمی‌تواند عمل کند. اما در قبال ایران، برنامه آمریکا را اجرایی می‌کند نه صرفاً ترامپ را. اگرچه او شیوه‌ها و روش‌های شخصی خود را نیز با کمک پیرامونیانش تا حدی اعمال می‌کند، اما درکل نمی‌تواند از حیطة برنامه، استراتژی و تاکتیک نظام کشور مطبوعش عدول نماید.

مذاکرات دوجانبه میان ایران و آمریکا در راستای حاصل‌شدن یک سازش سیاسی، ادامه دارد و گمانه‌زنی‌ها در خصوص آینده این مذاکرات و روابط دو کشور، بسیار متناقض است. پیش‌بینی‌ها در مورد پیامدهای کوتاه‌مدت و درازمدت سازش دو کشور، چنان در تعارض و تضاد هستند که هرگونه اطلاع‌رسانی صحیح را مختل می‌نماید. برای بررسی یک آینده شفاف‌تر و واقع‌گرایانه‌تر در ارتباط با نوع روابط آمریکا و ایران، نیاز به عطف به ماسبق در زمینه موضوعات و رخدادهای تاریخی و نیز مذاقه در خصوص نقطه‌ای است که هر دو طرف اکنون به آن رسیده‌اند. در این مقاله به محوریت موضوعی می‌پردازیم که هدف بنیادین آمریکا است. هدف نهایی واشنگتن برای کنترل بر ایران چیست؟

شکی نیست که ترامپ با ارایه یک خط‌مشی تحت عنوان ترامپ‌سیم در زمینه‌های سیاسی،

در کلیت مسئله، و بصورت بنیادین، آمریکا و ترامپ در مواجهه با ایران به دنبال چه هستند؟ پس از ۴۷ سال خصومت، لازم است آمریکا چه راهکاری را درپیش گیرد تا بتواند ایران را بصورت ریشه‌ای تغییر دهد و آن کشور را از حالت یک طرف متخاصم به یک شریک استراتژیک و دستاویز خود مبدل نماید؟ یک توافق و یا سازش موقت و یک راهکار برای کنترل کوتاه‌مدت و موقت ایران، دیگر راهکاری نیست که برای آمریکا جوابگو باشد، زیرا نظم جهانی در حال پوست‌اندازی و تغییر است. در کوران این تغییر، آمریکا نمی‌تواند مجدداً رفتارهای موقتی و کوتاه‌مدت در قبال ایران را تکرار کند و این امر به بقای همان ایران سابق کمک نماید. در نتیجه لازم است اینبار برای همیشه کار ایران را یکسره کند و پرونده او را مختومه نماید.

عاقلانه‌ترین راهکاری که در کوران شکل‌گیری نظم نوین جهانی و نیز در حالی که آمریکا با زنجیره‌ای از بحران‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، تجاری در چارچوب نظام سرمایه‌داری خاص خود،

«عاقلانه‌ترین راهکاری که در کوران

شکل‌گیری نظم نوین جهانی و نیز

در حالی که آمریکا با زنجیره‌ای

از بحران‌های سیاسی، نظامی،

اقتصادی، تجاری در چارچوب نظام

سرمایه‌داری خاص خود، روبرو است،

سازش می‌باشد. گزینه نخست،

سازش است بعد جنگ. آنچه آمریکا

به مثابه متد انتخاب نموده، «یا

سازش به نفع آمریکا، یا جنگ»

است»

روبرو است، سازش می‌باشد. گزینه نخست، سازش است بعد جنگ. آنچه آمریکا به مثابه متد انتخاب نموده، «یا سازش به نفع آمریکا، یا جنگ» است. در هر دو حالت، مشخص است که ایران دچار شکست مفتضحانه خواهد شد. هر دو اما تمایل دارند ابتدا راهکار مذاکره و سازش را امتحان کنند. با اینحال چه سازش به نفع آمریکا و چه جنگ رخ دهد، لازم است آمریکا موفق به کنترل ایران شود. قطع‌یقین هرگونه جنگی ولو ایران این حیث نظامی بسیار ضعیف‌تر از آمریکا باشد، چنان بحرانی منطقه‌ای و جهانی را شکل خواهد داد که ممکن است به افول هژمونی جهانی آمریکا بیانجامد. گذشته از اینها، یک جنگ جهانی شدیدتر، در خاورمیانه، بسیار وخامت‌بار خواهد بود، زیرا خاورمیانه مرکز حاکمیت استثماری قدرت هژمونیک آمریکا است. پس خارج‌شدن آن از کنترل آمریکا در پی یک جنگ شدید، به صلاح هژمونی آن کشور نیست. در نتیجه به تداوم جنگ‌های پراکنده و کنترل‌شده در کشورهای مختلف خاورمیانه بسنده می‌کنند. این را بعنوان خصلت جنگ جهانی سوم برگزیده‌اند. به همین دلیل در پیرامون ایران، در بسیاری کشورهای منطقه جنگ‌های کنترل‌شده به راه انداخته‌اند تا بازوهای ایران را قطع نمایند و تهران را برای تن‌دادن به سازش، مستعد سازند. امروز به نقطه‌ای رسیده‌اند که تقریباً این امر را ممکن ساخته‌اند. می‌خواهند با اعمال قدرت و برخورد با تهران از موضع قدرت، آن کشور را در چارچوب کشورهای واقع در خط جهانی ریملند، تحت کنترل کامل خود درآورند. این مهم را با تغییر رفتار ایران انجام خواهند داد. در چنین موقعیتی، ایران به کشوری خارج از لیست متحدان چین و روسیه مبدل خواهد شد. چنین ایرانی کاملاً به نفع آمریکا عمل خواهد کرد.

تاکنون برنامه‌های جنگ‌افروزان ایران، برنامه اقیانوس دهها ساله او و همچنین سیاست خارجی دولت‌های پی‌درپی اصلاح‌طلب و اصولگرایش،

کاملاً به سیاست‌های آمریکا در منطقه بصورت غیرمستقیم خدمت کرده است. ایران همیشه کاری کرده که پای ایران در همه نقاط خاورمیانه باز شود. عواقب این رفتار را هم امروز در تضعیف ایران به عینه می‌بینیم.

در چنین برهه‌ای که ایران دچار وضعیتی وخیم از حیث سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی شده، هدف بنیادین آمریکا، «تلاش برای تغییر رفتار ایران از طریق کنترل بر اجرای برنامه‌ها و استراتژی‌های تهران از طریق رسیدن به یک سازش پایه‌ای است». لذا ایران مجبور خواهد شد مکرراً بواسطه تضعیف قدرت تقابلی، مدام به کشورهای هژمونی خصوصاً آمریکا امتیاز بدهد و این روند، زوال تدریجی محسوب می‌شود. حتی اگر این سازش برای مدت‌زمانی مثلاً دو دهه‌ای باشد، بازهم برای رسیدن آمریکا به اهدافش در مواجهه با ایران، کفایت می‌کند. اگر آمریکا با تغییر رفتار ایران از طریق تحمیل این سازش، به مقاصدش برسد، دیگر خواهد توانست جهت‌دهی «برنامه‌ها و استراتژی ایران» را در دست گیرد. دهه‌هاست برای کشاندن ایران به درون چنین گردابی تقلا می‌کنند. تمامی ابربحران‌های داخلی ایران در زمینه‌های فروپاشی اجتماعی، از کفر رفتن مشروعیت سیاسی و ایدئولوژیک، نابودی محیط‌زیست، رسیدن اقتصاد به مرز فروپاشی، و دهها ابربحران دیگر، به حاکمیت بیشتر آمریکا کمک می‌کنند. تنها راه برون‌رفت حاکمیت جمهوری ولایی در ۴۷ سال گذشته، پذیرش دموکراسی و آزادی ملیت‌ها بعنوان کلید حل همه مسایل بود. یک ایران دموکراتیک تنها راه رهایی از چنگال جنگ و سازش آمریکایی است. تهران اما چنان از پذیرش حقوق طبیعی ملیت‌های گُرد، ترک، عرب، بلوچ و ... می‌هراسد که بجای باور به ملیت‌ها به باور به آمریکا و سازش با او تن در داده است. این راه خطرناک را به قیمت بقای خود برای چندصباحی دیگر انجام می‌دهد. مشخص است که چنین رویکردی صرفاً

«اگر آمریکا از طریق این مذاکرات که بیشتر وجهه تحمیلی دارد، به سازش برسد و پس از دهها سال کنترل «برنامه و استراتژی و تاکتیک» ایران را بدست گیرد، دیگر چه چیزی از ایران و حتی نظام جمهوری ولایی باقی می‌ماند. پس به یک کشور کمپرادور برای نظام امپریالیستی آمریکا مبدل خواهد شد»

سرگردانی و سردرگمی و ناکارآمدی و نادانی است. سازش با آمریکا نه تنها او را به سرسپرده و وابسته همیشگی آمریکا مبدل می‌کند که مدام استثمار خواهد شد، بلکه مقوله نارضایتی‌های جامعه را برطرف نخواهد کرد. تمامی ابربحران‌های ایران با سازش با آمریکا، حل نخواهند شد. برای برخی از این ابربحران‌ها دهها سال کار و فعالیت لازم است آن هم به شرطی که عملکردهای سیاسی‌اش مبتنی بر خصومت‌ورزی سابق و جنگ مداوم با جامعه و مردم نباشد. بنابراین تن دادن به ذلتی بدتر از ذلت‌های پیشین به معنای فرورفتن بیشتر در باطل است. این راهکار، استراتژیک نیست، سرگردانی و سردرگمی و تصمیم‌گیری و تسلیم‌شدن در عین ناچاری در سیاست خارجی و عملکرد داخلی است.

بنابراین قرار نیست آمریکا با یک سازش سیاسی، به اسطوره نجات‌بخش حاکمیت و مردم ایران مبدل شود. او صرفاً به منافع هژمونیک خود در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و تجاری می‌اندیشد. ترامپ نیز به پهلوان و قهرمان اسطوره‌ای در این سیر، مبدل نخواهد شد. قرار نیست ایران از مشکلات و مسایل خود در سایه آمریکا نجات

« چه سازش و چه جنگ، هیچ نفعی برای جامعه و ملیت‌ها دربرندارد مگر اینکه از طریق دمکراتیزه کردن ایران بتوان بطور بنیادین این مخاطرات را برطرف نمود که البته خیز برداشتن خامنه‌ای و رژیم او برای سازش، به معنای بی‌توجهی به حقوق مردم است »

ایران و خاورمیانه صورت گرفته و خطر جنگ و یا
چپاول این منطقه، برای دهها سال دیگر در یک
نظم نوین، ادامه خواهد یافت.

بنا به دلایل فوق، تغییر رفتار ایران از طریق
سازش ممکن خواهد شد و درنهایت هم به کنترل
آمریکا بر امر «برنامه، استراتژی و تاکتیک» تحقق
خواهد یافت. پس هیچ بحرانی حل نخواهد شد
و صرفاً کمی تعدیل انجام خواهد شد. قطع‌یقین
تغییر رفتار برای رژیم ایران به تدریج به تغییر
رژیم در سایه کنترل‌های بیشتر آمریکا رخ خواهد
داد. پیش‌بینی چنین آینده‌ای برای حاکمیت ایران
سخت نیست. هکذا، یک سازش یعنی معامله بر
سر حقوق جامعه و مردم ایران، پس قرار نیست
که نارضایتی‌های مردمی هم پایان یابد، زیرا
بحران‌ها پایان نخواهند یافت. راهبرد آمریکا، از
زمان سازش، نفوذ در داخل ایران و پوساندن آن در
درون خواهد بود. فلذا مقوله «تغییر رفتار رژیم
از طریق یک سازش» با امر «دمکراتیزاسیون»
فرسنگ‌ها فاصله دارد و شدیداً در تباین هستند.
با این اوصاف، ایران متغییر آینده، ایرانی
مردمی و به نفع جامعه نخواهد بود. زیرا صرفاً
ساخت و پاخت کشورها و دول از بالا است.

یابد. این تنها یک زدوبند و ساخت و پاخت برای
سازش با خارج و سرکوب مردم در داخل است.
غیر از این نمی‌توان آینده‌ای دیگر برای چنین
ایرانی و حاکمیت آن متصور شد.

اگر آمریکا از طریق این مذاکرات که بیشتر
وجهه تحمیلی دارد، به سازش برسد و پس از دهها
سال کنترل «برنامه و استراتژی و تاکتیک» ایران
را بدست گیرد، دیگر چه چیزی از ایران و حتی
نظام جمهوری ولایی باقی می‌ماند. پس به یک
کشور کمپرادور برای نظام امپریالیستی آمریکا
مبدل خواهد شد. به ابزاری مبدل خواهد شد که
منابع روزمینی و زیرزمینی بسیار غنی دارد، از یک
بازار گسترده چند ده‌میلیونی برخوردار است و با
استفاده از آن، مواجه با چین و روسیه برای آمریکا
آسان‌تر خواهد شد. اینگونه، آمریکا انتقام تاریخی
خود را با کینه و نفرت از حاکمیت جمهوری ولایی
خواهد گرفت و دود این خصومت به چشم مردم
و جامعه بی‌گناه خواهد رفت. چراکه در این سیر،
بر سر مردم و معیشت آنها به راحتی معامله
می‌شود. مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا،
مذاکره‌ای از سوی مردمان و ملیت‌های ایران
نیست، مذاکره میان دو سیستم حاکم و دو دولت
است. هیچ ارتباطی با جامعه تحت ستم ندارد.
حتی در مورد حقوق مردم و جامعه یک کلمه
بحث نمی‌شود. این، خصلت نظام سرمایه‌دارانه و
دولت - ملت در معاصر است.

چه سازش و چه جنگ، هیچ نفعی برای
جامعه و ملیت‌ها دربرندارد مگر اینکه از طریق
دمکراتیزه کردن ایران بتوان بطور بنیادین این
مخاطرات را برطرف نمود که البته خیز برداشتن
خامنه‌ای و رژیم او برای سازش، به معنای
بی‌توجهی به حقوق مردم است. تاکنون ایران به
دلیل خصلت سرمایه‌دارانه‌اش، دنباله‌رو غیرمستقیم
نظام هژمونیک جهانی بود، اما اگر با یک سازش
به دنباله‌رو مستقیم آمریکا و متحدانش مبدل
شود، دیگر مسلماً باید پذیرفت که معامله بر سر

ئاشتى و كۆمەلگەى ديموكراتى شانسىكى مېژوويىە بۇ ئىران



ئامەد شاھۆ

مەشخەلى ئاشتى و كۆمەلگەى ديموكراتى
هەلگرا

گۆرەپانى سىياسى و حقوقى گواستەوہ.
رېبەر ئاپۆ لەو پەيامە مېژوويىەدا داواى لە
پەكەكە كەردبوو كە كۆنگرەى نااسايى خۆى
ئەنجام بدات و برىارى خۆهەلۆهشاندەوہ و
كۆتايى ھېنان بە خەباتى چەكدارى بدات؛ چونكە
رېبەر ئاپۆ بۆ ئەوہى پرۆسەى ئاشتى لە گۆرەپانى
پراكتىكدا بە بى كېشە و گرفت بەرپۆہ ببات و
دەرگا لەبەردەم ئاشتى، سىياسەتى ديموكراتىك
و پېكەوہ ژيانى گەلان ئاوەلا بكات، برىارى
هەلۆهشاندەوہى رېكخستنى پەكەكە و كۆتايھېنان
بە رېيازى تېكۆشانى چەكدارى وەرگرتووە و
كۆتايى بە ھەموو خەباتەكانى ھېناوہ كە لە
سەر ناوى پەكەكە بەرپۆہى بردووە. ئەوہش
زەمىنەيەكى پتەو و لەبار بۆ چەسپاندنى ئاشتى
ھەمىشەيى و چارەسەرى ديموكراتىكى پرسى

پەيامە مېژوويىەكەى ۲۷ى شوباتى ۲۰۲۵ى رېبەر
ئاپۆ كە بە سەردېرى بانگەوازی ئاشتى و كۆمەلگەى
ديموكراتى لەدوورگەى ئيمپرالىيەوہ بلأو كرايەوہ،
سەردەمىكى مېژوويى، زېرىن و چارەنووسسازى
لە كوردستان، ناوچەكە و جىهان بەدواى خۆى
ھېنا. پەيامەكە بۆ خۆى وەرچەرخانىكى مەزن و
ھەنگاويكى بویرانەى ئەم سەردەمەيە كە رېبەر
ئاپۆ راستەوخۆ بەرپرسيارىتېيەكەشى لە ئەستۆ
گرتووە و لەو پېناوہدا ھەولدانى بى وچانى
خۆى لەپېناو گۆرپىنى زەمىنەى توندوتېژى بۆ
زەمىنەى خەباتى ياسايى و سىياسەتى ديموكراتىك
بەجئ ھېناوہ. واتە بەو بانگەوازیيە مېژوويىەى
تېكۆشانى لەھېلى خەباتى چەكداريیەوہ بۆ

کورد و گهلان له ناوچه که ده پره خستیت. تایبته به هه لوه شانده وهی په که که و بریاری کوتایی هینانی خه باتی چه کداری، مه شخه لی ناشتی و کۆمه لگه دیموکراتی له کوردستان و ناوچه که به ده ستیشخه ری ریه ر ئاپۆ و په که که هه لکرا.

دوای چهند دیدار و دیالوگی راسته وخۆی شاندی ئیمپرالی له گه ل ریه ر ئاپۆ و به پرسانی ده ولت و ئالوگۆری په یام له گه ل قه ندیل و ئیمپرالی له ماوهی دوو مانگدا، په که که له سه ر بنه مای بانگه وازییه میژووویه که ی ریه ر ئاپۆ کۆنگره ی ۱۲ هه مینی خۆی له ریکه وتی ۵ بۆ ۷ ئایار، به به شداری ۲۳۲ ئەندام له دوو شوینی جیا له ژیر هیرشی چر و به رده وامی ئاسمانی و زه مینییه کانی سوپای تورکیا و هه لومه رجبی گه مارۆ سه خته کانی په ده که پیکه ئینا و ته واو بوونی ئه رکی میژووویی خۆی له نیو سه ده تیکۆشان له سه ر ناوی په که که راگه یاند.

تاجدارکردنی پرۆسه ی ناشتی پابندی هه نگاوی کرداری حکومه تی تورکیایه

په که که بۆ ئه وه ی پارادیگمای کۆمه لگه ی دیموکراتیک، ژینگه پاریزی و ئازادی ژن له م سه رده مه دا مسۆگه ر بکات، پێویستی به نوێبوونه وه و ده ستپیکردنی سه رده مه یکی نوێ و رییازی نوێی تیکۆشان هه بووه. چون ئه و پارادیگمایه به ر ئ و رییاز و فۆرمی پارادیگمای کۆن مسۆگه ر نابیت. به لکۆو شیوه و رییازی نوێی تیکۆشان و سه رده میانه ده توانیت سه رکه وتنی پارادیگمای نوێی ریه ر ئاپۆ مسۆگه ر بکات. واته په که که له و پرۆایه دایه که چاره سه ر کردنی پرسى کورد ته نها له سه ر بنه مای کۆماری دیموکراتیک، ولاتی هاوبه ش و هاوولاتی یه کسان و دیموکراتیک ده توانیت بگاته سه رکه وتن. بۆیه په که که به بریاره کانی کۆنگره ی ۱۲ هه مینی خۆی هه نگاوی میژووویی نا و له ژیر هه لومه رجبی دژواردا بۆ چاره سه ری ناشتیانه خۆی

هه لوه شانده و ده رگای له به رده م پرۆسه ی ناشتی ئاوه لا کرد. ئه و هه نگاوه ش تۆپه که ی خسته گۆره پانی ده ولت تی تورکیا وه که ئیستاکه نوۆره ی حکومه تی تورکیایه که هه نگاوی کرداری له پیناو چاره سه ری ناشتیانه ی پرسى کورد هه لبیت. هاوکات پێویسته حکومه تی تورکیاش هاوشیوه ی په که که له پیناو به دیهینانی چاره سه ری ناشتیانه و چه سپاندنی دیموکراسی خۆی بگۆریت و هه نگاوی بویرانه تر هه لبگریت.

په که که دوا به دوای کۆنگره ی دوا زده هه مینی خۆی له و پرۆایه دایه که؛ "له پرۆسه ی ناشتی و کۆمه لگه ی دیموکراتی و تیکۆشانی سۆسیالیزمدا که سۆسیالیزمی کۆمه لگه ی دیموکراتی نوێنه رایه تی قۆناغیکى نوێ ده کات، به پێشخستنی بزوتنه وه ی دیموکراسی جیهانی، جیهانیکی یه کسان و دادپه روه ر بونیاد ده نریت". ئه م بۆچوونه بۆ خۆی سه لماندنی پانتایی فراوانی تیکۆشانی سه رده میانه ی بزافی ئازادیخوازی گه لی کورد پیشان ده دات که به جیگه ی بچووک کردنه وه ی تیکۆشان و خه باتی

«وهک درووشمیک وته یه کی

ریه ر ئاپۆ به رز کراوه ته وه که:

"سووربوون له سه ر سۆسیالیزم،

سووربوونه له سه ر مروۆقبوون"ه.

ئه مانه بۆ خۆی رووناک که ره وه ی

ره وتی نوێی به رده وام بوونی

خه بات و تیکۆشانی سه رده میانه ی

په که که یه که گه ره نتى ئاسۆیه کی

روون و سه رکه وتنیکی شکۆدار

ده گه یه نیت»



ئەوێ جیگە تێپارمانە لەو کۆنگرەدا بپاریک لەژێر ناوی کۆتایی هێنان بە خەبات و تیکۆشان و پاشگەزبوونەو لە گەشت بە ئازادی و دیموکراسی نەدراو؛ بەلکوو پەکە بەپێی کاراکتەر و تایبەتمەندییەکانی شەری هێبیدی سەردەم خۆی نوێ کردوووە و سەردەمیکی نوێی تیکۆشانی دەستپێکردوووە کە چارەسەری پرسى هەبوون، ئازادی و ناسنامەى گەلى کورد گەرەنتى دەکات. ھاوکات بپاریک لەژێر ناوی ئەوێ کە کۆمەلگە مافى خۆپاراستنى خۆی لەدەستبەت و کۆمەلگەى کى بى پاراستن بهێلێت، نەداو. بەلکوو گەوھەرى بپاری ئەو کۆنگرەى کۆتایی هێنان بە رییازی تیکۆشانی چەکدارییە، نە پرۆسەى چەکدانان و بى چەک کردنە کە دڵپراوکی و پەشوکی زۆر لەلای دۆست و خەمخۆرانى پرسى کوردی بەدوای خۆی هێناو. هەرچەند بۆ رای گشتیش زۆر روونە کە تیکۆشانی چەکدارى نەبژاردەى سەرەکی گەلى کورد و گەلانى ئازادىخواز بوو. بەلکوو سیاسەتى قێکردن و نکوۆلى کارانەى هێزە بالادەستەکانى سەر کوردستان، گەلى کوردی ناچار بە چەک هەلگرتن

بەرەودان بە رییازی تیکۆشانی چەکدارى کردوو. بۆیە گەلى کورد و گەلانى ئازادىخوازى ناوچەکە ھاوشانى تیکۆشانی پەکە ماوەى ٥٢ ساله؛ دژی سیاسەتەکانى تواندەو، قێکردن، نکوۆلى و لەناو بردن وەستاوئەو و سەرەپای قوربانى دانى گەرەشیان لەو پێناویدا پەيوەستى رییوانى پەکەکە و رێبەر ئاپۆ بوون. واتە ئەم گەلەش ھاوشانى تیکۆشانی سەردەمیانەى تەقەرە ئازادىخوازەکەى خاوەنداریتى لە نرخ و بەهاکانى خۆی دەکات و بە شیوەیەکی ھوشیارانەتر و ریکخراوتر پشتگیری لەپرۆسەى ئاشتى و کۆمەلگەى دیموکراتیک دەکەن و ئەرکەکانى ئەم قۆناغەش بە بى دوو دۆلى و دووپایى لە ھەر بەشیکی کوردستان و جیگەى ک تیدا دەژی بەجى دەهینن.

پەکەکە ئەرکی میژوویی خۆی بە ئەنجام گەیانە

پەکەکە لە تیکۆشانی نیو سەدەى خۆیدا کۆتایی بە سیاسەتى نکوۆلیکارانە، قێکردن و پاکتاوکارانەى گەلى کورد هێنا. واتە بە تیکۆشانی ٥٢ ساله، پرسى کوردی گەیانە دەروازەى

چارهسهری دیموکراتی و بهوهش ئهرکی میژوویی و شۆرشگێری خۆی به ئه نجام ده گهیه ئیت. ئه و بهرپرسیاریه تیهش جیگه ی ریز و تیرامان و ستایشه که له م سهرده مه ی تیکۆشاندا بووه ته مایه ی شانازی و به هیزبوونی ههر تاکیکی کورد و ئازادیخوازیک.

تیکۆشانی ۵۲ ساله ی په که که ئیدی کۆتایی به سیاسه تی نكۆلی کارانه ی کورد هیناوه و ئه و هیزه بالاده ستانه ئیدی دان به هه بوون، ئازادی و ناسنامه ی گه لی کورد و گهلانی ئازادیخوازا ده ئین. ئه وهش پێویستی هه نووکه یی گرتنه به ری رێ و رێبازیکی سهرده میانه ی تیکۆشانی هیناوه ته ئاراهه که په که که به دوور له بهرژه وندی ته سکی حیزبایه تی و لۆژیکی خێلگه راییی و هه ریم گه راییی رچه شکینی بۆ ریباز، فه لسه فه و رێچکه یه کی نوێی تیکۆشان کردوه ته وه که له میژووی تیکۆشانی گه لی کورد و گهلانی هه ریمه که دا دانسقه و بێ وینه یه.

کۆنگره ی ۱۲هه مینی په که که له سه ر ۵ بابه تی بنه په تی وه ک؛ بابه تی ریه ر ئاپۆ، شه هیدان، برینداران، هه لوه شانده وه ی رێکخه ستنی په که که و کۆتایه پێنان به ریبازی تیکۆشانی چه کداری و بونیادنانی کۆمه لگه ی دیموکراتیک بریاری میژوویی وه رگرتووه. واته ئه م کۆنگره پابه ندی به نرخ و به ها کۆمه لایه تیه کان و میراتی تیکۆشانی دووپات کردووه ته وه و به ئینی پاراستن و درپژه پیدانی رێچکه و خه باتی ریه ر ئاپۆ، شه هیدان و بریندارانی تیدا دراوه. به و بریارانه په که که جارێکی دیکه له شۆرشێ ژيانه وه ی کۆمه لگه ی دیموکراتیکدا خۆی کردووه ته سیمبۆلی لێگه پرینی ژيانی شکۆدار و گه شانعه ی هیوای ئازادی گهلانی هه ریمه که.

به و بریارانه ی ده سته کوه ت و هه نگاوێکی دیکه ی میژوویی و سه ره که وتیکی بێ وینه ی دیکه ی له میژووی هاوچه رخی گه لی کورد به ریبازیکی

سهرده میانه تۆمار کردووه. چون ئه م کۆنگره نه به واتای کۆتایی هاتنی خه بات و تیکۆشانی مافداری ره و و ئازادیخوازانیه گه لی کورده، به لکوو سه ره تای ده سته پیکردنی قۆناغیکی نوێی خه بات و تیکۆشان به ریبازی ئاشتی و دیموکراسیه. قۆناخی بونیادنانی کۆمه لگه ی دیموکراتیکه. یه که م شه هیدی ئه م قۆناخه میژوویییه ش (سری سوره یا ئۆنده ر)ه که به ئه وین و هه سته یکی مه زنه وه له پێناو سه ره که وتنی ئه م قۆناخه خه بات و تیکۆشانی بێ پسانه وه ی به رپوه بردووه.

ئه وه ی له کۆنگره ی ۱۲هه مینی په که که زۆر به واتا و به نرخ پێشان دراوه، راگه یاندنی شه هیدبوونی دوو کادیری پێشه نگه ی په که که به ناوی (عه لی حه یده ر قه یتان و ره زا ئالتوون)ه که له رێکه وتی جیا جیا له پێناو سه ره که وتنی شۆرشێ ژيانه وه ی کورد شه هید بوون که ئه وه ش رووناکی به رێ و ریبازی سه رده می نوێی تیکۆشانی گه لی کورد و گهلانی ئازادیخواز به خشیوه وه له و پێناوه دا رێگه یان پر ریبوار ده ییت.

تیکۆشانی ئاشتی و کۆمه لگه ی دیموکراتیک به رۆحه ی گیانبازی شه هیدان به رپوه ده چیت

کۆنگره ی دوازه هه مینی په که که پێشکه ش به و دوو شه هیدی پێشه نگه ی ته فگه ری ئازادیخوازی کورد کراوه که له سه ره تای بزوتنه وه ی ئازادییه وه بۆناو ریزه کانی تیکۆشان به شدار بوون و به تیکۆشانی بپوچان و نه به زانه یان پێشه نگایه تییان له شۆرشێ ژيانه وه ی گه لی کورد و گهلانی ئازادیخواز کردووه که یادیان له یاده گی مروفایه تی و گهلانی ئازادیخواز هه میشه به رز و پیرۆز راده گیردیت. ئه و حه قیقه ته ش سه لمیئهری ئه و پێناسه یه که په که که پارتی شه هیدان و ریه رتیه که گه لی کورد به هه میشه یی پابه ندی بوون و ده بن و ئه و رێچکه ش هه رگیز کۆتایی پێ نایه ت. بۆیه هه ر

شه‌هیدیک له فه‌لسه‌فه و تیکۆشانی په‌که‌که‌دا هاندهری به‌هیزبوون و درێژه‌پیدانی خه‌بات و تیکۆشان بووه. دیاری کردنی ئهم کۆنگره‌یه به‌وه‌فالا‌نه و یادکردنه‌وه‌ی سه‌رحه‌م شه‌هیدانی رینگه‌ی ئازادی، سه‌لمێنه‌ری ئه‌وه‌یه که سه‌رده‌می نوێی تیکۆشانی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک به‌رۆحه‌ی گیانبازی و قاره‌مانی و شۆرش‌گێری فواده‌کان، ره‌زاکان و س‌ری سوره‌یا ئۆنده‌ره‌کان به‌رپۆه ده‌چیت. واتا رۆحه‌، هی‌ز، باوه‌ری و ری‌چکه‌ی تیکۆشانی په‌که‌که‌ به‌ فۆرم و شیوه‌یه‌کی سه‌رده‌میانه به‌رده‌وام ده‌بیت.

هه‌لبه‌ت گ‌رنگ‌ترین رووداوی سه‌ده‌ی ۲۱ ئه‌وه‌یه که ر‌یه‌ر ئاپۆ له‌ پ‌یناو چاره‌سه‌ری ئاشتیانه و دیموکراتیک‌ی پرس‌ی کورد ئه‌وه‌ه‌نگاوه‌ می‌ژوو‌یه‌ی ناوه. به‌وه‌ه‌نگاوه‌ می‌ژوو‌یه‌ی ر‌یه‌ر ئاپۆ و په‌که‌که‌ ئیدی بۆ چاره‌سه‌رکردنی پرس‌ی کورد و بونیادنانی تورکیا‌یه‌کی دیموکراتیک ه‌یچ پاساوی‌ک بۆ حکومه‌تی تورکیا نه‌ماوه که ه‌ه‌نگاوی کرداری بۆ به‌ره‌و پ‌یش‌چوونی پرۆسه‌که‌ هه‌له‌گریت. دیاره ه‌هر که‌س له‌پ‌یناو تاجدارکردنی پرۆسه‌ی ئاشتی چاوه‌روانی هه‌لگرنتی هه‌ه‌نگاوه‌ کرداری‌یه‌کان له‌حکومه‌تی تورکیا‌یه. بۆ تاجدارکردنی ئه‌وه‌ پرۆسه‌ش پ‌یویسته‌ کۆتایی به‌ سیسته‌می ئه‌شکه‌نجه‌ی ئیم‌رالی و سیاسه‌تی گۆشه‌گیری و ق‌رکردنی کورد به‌ئ‌یریت. ئیدی پ‌یویسته‌ به‌ب‌ی مه‌رج مافی هیوا بۆ ر‌یه‌ر ئاپۆ به‌ شیوه‌ی یاسایی مسۆگه‌ر بک‌ریت و ده‌رفه‌تی سیاسه‌تی دیموکراتی بۆ ئاوه‌لا بک‌ریت و ر‌یه‌ر ئاپۆ ئازاد بک‌ریت. دواتر تورکیا ئاگره‌به‌ست رابگه‌یه‌نیت و کۆتایی به‌ ه‌یرش و داگیرکه‌ری‌یه‌کانی له‌هه‌ری‌می باشووری کوردستان و رۆژئاوا به‌ئ‌ینیت. تایه‌ت هی‌زه‌ چه‌کداره‌کانی له‌سنووره‌کانی باشووری کوردستان بکش‌ینیت‌ه‌وه‌ و بنکه‌ و باره‌گا‌کانی هه‌لبوه‌شینیت‌ه‌وه‌. دوا‌به‌دوای ئه‌وه‌ش گیراوانی سیاسی هه‌ه‌نگاوه‌ به‌ه‌نگاوه‌ ئازاد

«په‌ژا‌ک له‌م سه‌رده‌مه‌ی تیکۆشاندا به‌وه‌ پ‌ه‌ری گیانبازی و قاره‌مانیه‌وه له‌پ‌یناو چاره‌سه‌ری ئاشتیانه‌ی پرس‌ی کورد و دیموکراتیزه‌کردنی ئ‌یران به‌وه‌ به‌ تیکۆشانی ره‌وا و دیموکراتیکی خۆی ده‌دات و تا ده‌سته‌به‌رکردنی ژبانی ئازاد، دادپه‌روه‌ر و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک درێژه‌ به‌ خه‌بات و تیکۆشانی ره‌وا و ئاشتیخوازان‌ه‌ی خۆی ده‌دات»

بکات و یاسای بنه‌په‌تی تورکیا له‌سه‌ر بنه‌مای دیموکراسی هه‌موار بکاته‌وه. ئهم ئالوگۆره‌ می‌ژوو‌یه‌ش که‌مینی ئازادی جه‌سته‌یی ر‌یه‌ر ئاپۆ و چاره‌سه‌ری پرس‌ی کوردی ت‌په‌ری قۆناخ‌یکی نویت‌ر کرد و ئیدی ه‌هر که‌سی‌ک له‌سه‌رده‌می پرۆسه‌ی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک له‌چوارچ‌په‌وه‌ی که‌مینی جیهانی "منیش ده‌مه‌ویت دیدار له‌گه‌ل ر‌یه‌ر ئاپۆ ئه‌نجام بده‌م" خاوه‌نداری‌تی له‌ر‌یه‌ر ئاپۆ و پرۆسه‌ی ئاشتی ده‌کات.

ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتی فه‌لسه‌فه‌ی

بونیادنانی کۆماری دیموکراتیکی ئ‌یرانه

بانگه‌وازی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتی و بریاره‌کانی کۆنگره‌ی ۱۲ په‌که‌که‌ ئه‌وه‌ ده‌رفه‌ته‌ ده‌په‌خش‌ینیت تا گه‌لانی ناوچه‌که‌ و تایه‌ت گه‌لانی ئ‌یران پ‌یکه‌وه‌ خه‌باتی جددی له‌پ‌یناو ئاشتی و بونیادنانی کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک ده‌ست پ‌ی بکه‌ن و له‌پ‌یناو به‌دی‌ه‌ینانی ئاشتی

و ئارامی و چه‌سپاندنی دیموکراسی و ئازادی له ئێران له‌هه‌موو روویه‌که‌وه خه‌بات و تیکۆشان به‌رپۆه به‌ن. هه‌نگاوه‌کانی هێز و لایه‌نه سیاسییه‌کان، ریک‌خراوه مه‌ده‌نییه‌کان، چالاکانی سیاسی و مه‌ده‌نی و شوێشی ژن ژیان ئازادی له‌سه‌ر ئه‌و ره‌وته‌ی خه‌بات زامنی به‌رقه‌راری ئاشتی و ئارامی له ئێران ده‌بی‌ت. بۆ په‌ره پێدانی ئه‌و ره‌وته‌ش پێویستی به‌ گه‌شه‌دانی زامانی ئاشتی له‌م سه‌رده‌مه‌ی خه‌بات هه‌یه. چون جیگره‌وه‌ی زمانیک‌ی جیا له‌و زمانه‌ که رۆحی سه‌رکه‌وتنی خه‌باتی سه‌رده‌مه، زیان به‌ چاره‌سه‌ری ئاشتیانه‌ی پرسی کورد ده‌گه‌یه‌نێت.

رێبه‌ر ئاپۆ له‌ بانگه‌وازییه‌ میژووویه‌که‌ی خۆیدا ئاماژه‌ی به‌وه‌ دابوو که: "چاره‌سه‌ری و ئاشتی ته‌نها به‌ تورکیاوه سنووردار ناکرێت"، واته‌ بۆ ئه‌وه‌ی گه‌لی کورد له‌هه‌ر چوار لای کوردستان به‌ تایبه‌ت له‌ ئێران، عێراق و سووریا بگه‌ن به‌ پێگه‌یه‌کی دیموکراتیک پێش‌خستنی ئه‌و پرۆسه‌یه پێویسته. بۆیه ئه‌م هه‌نگاوه میژووویه‌ی رێبه‌ر ئاپۆ به‌ تایبه‌ت بۆ چاره‌سه‌ری ئاشتیانه‌ی پرسی کورد و دیموکراسی له ئێران زۆر گرنگ و به‌ واتا ده‌بی‌ت. چون پرۆسه‌ی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک ده‌توانێت ئێران له‌ فاشیزم و دیکتاتۆرییه‌ت و ته‌نانه‌ت ده‌ستیوه‌ردانی ده‌ره‌کی رزگار بکات و ده‌رگای بنچینه‌یی له‌به‌رده‌م ئاشتی و دیموکراسی و پێکه‌وه ژیا‌نی گه‌لانی ئێران ئاوه‌لا بکات. واته‌ پرۆسه‌ی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتی شانس‌یک‌ی میژووویه‌ بۆ کرانه‌وه‌ی ئاشتی و دیموکراسی له ئێران و وه‌رچه‌رخانیکی سه‌رده‌میانه‌یه له‌ پێناو گه‌شه‌دانی دیموکراسی و پێکه‌وه ژیا‌نی گه‌لان. بۆیه له‌ده‌ست نه‌دانی ئه‌و شانس‌ه‌ پابه‌ندی هه‌لگرته‌ی هه‌نگاوی کرداری رژیمی ئێرانه له‌ پێناو چاره‌سه‌ری ئاشتیانه‌ی پرسی کورد و دیموکراتیزه‌کردنی ئێران. بۆیه هه‌نگاوی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک

له ئێران و رۆژه‌لاتی کوردستان، به‌ واتای فه‌لسه‌فه‌ی بونیادنانی کۆماری دیموکراتیک‌ی ئێران دی‌ت.

بۆیه پالپشتی و پشتگیری ئێران بۆ پرۆسه‌ی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتی هه‌نگاوێکی گرنگه. به‌س جیا له‌ پالشتی، به‌هه‌ند وه‌رگرته‌ی ئه‌و ئه‌زموون و تاقی کردنه‌وه‌ی بۆ رژیم پێویستییه‌کی هه‌نوکه‌یه‌یه. واتا به‌ به‌رب‌لا‌بوونی ئه‌و پرۆسه‌یه ئیدی رژیم ناتوانێت چاوپۆشی له‌ پرسی کورد و دیموکراتیزاسیۆنی ئێران بکات و ته‌نیا رۆلی ئامۆژگاری و لاتانی دراوسێی خۆی بۆ چاره‌سه‌رکردنی پرسه‌کانیان به‌ ئه‌ستۆ بگرێت. به‌لک‌وو ئێرانیش هاوشیوه‌ی تورکیا گیرۆده‌ی پرس‌یکه‌ که ته‌نیا به‌ بژاردی چاره‌سه‌ری ئاشتیانه و هه‌میشه‌یی ده‌توانێت لێی رزگار بی‌ت. ئه‌گه‌ر ئێران له‌و پێناوه‌دا ئاماده‌ی هه‌نگاو هه‌لگرته‌ن نه‌بی‌ت و له‌سیاسه‌تی هه‌لا‌واردن، توانده‌وه‌، ق‌ر‌کردن و تیا‌بردن به‌رده‌وام بی‌ت، رێگه‌ بۆ به‌رب‌لا‌بوونی بژاردی مه‌ترسیدار خۆش ده‌کات.

په‌ژاک که هه‌لگری فه‌لسه‌فه‌ی "ژن ژیان ئازادی" ییه تیکۆشانی ۲۱ سا‌له‌ی له‌ پێناو ده‌سته‌به‌رکردنی ئاشتی هه‌میشه‌یی و بونیادنانی کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتی ته‌رخان کردوو. وه‌ک پارتیک‌ی سه‌رده‌میانه بۆ به‌رقه‌راری ئاشتی و بونیادنانی کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتی چ ئه‌رک و به‌رپرسیاری بکه‌وێته سه‌رشانی، به‌ رێ و رێ‌باز و میتۆدی شوێش‌گیرانه به‌ جێی دی‌نێت. هه‌ل‌به‌ت له‌م سه‌رده‌مه‌ی تیکۆشاندا به‌و په‌ری گیانبازی و قاره‌مانیه‌وه له‌ پێناو چاره‌سه‌ری ئاشتیانه‌ی پرسی کورد و دیموکراتیزه‌کردنی ئێران به‌ره‌و به‌ تیکۆشانی ره‌وا و دیموکراتیک‌ی خۆی ده‌دات و تا ده‌سته‌به‌رکردنی ژیا‌نی ئازاد، دادپه‌روه‌ر و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک درێژه‌ به‌ خه‌بات و تیکۆشانی ره‌وا و ئاشتیخوازانه‌ی خۆی ده‌دات.

خۆهه‌لوه‌شانده‌وه‌ی په‌که‌که و ده‌ستپیکردنی قوناخیکی نوئی له‌خه‌بات



✍ رزگار ئه‌ویندار

زه‌وی به‌گشتی و له‌رۆژه‌لاتی ناوین به‌تایبه‌تی به‌رپۆه‌ی ده‌به‌ن بوونه‌هۆکاری ئه‌وه‌ی که‌ریه‌ر ئاپۆ له‌سالانی ۱۹۹۳ به‌دواوه‌له‌پیناو چاره‌سه‌ری سیاس‌ی و دیموکراتیان‌ه‌ی کیش‌ه‌ی کورد به‌راکه‌یاندنی ئاگره‌به‌ست و راگرتنی خه‌باتی چه‌کداری له‌چه‌ندین قوناغ‌ی جیادا هه‌نگاو‌ی قه‌له‌مبازانه‌ و به‌کاریگه‌ر له‌ئاست جیهانی و هه‌ریمی رۆژه‌لاتی ناوه‌پراست له‌لایه‌ن په‌که‌که‌وه‌بهاوژێت. ئه‌گه‌ر شه‌رو مملاتییه‌کانی رۆژه‌لاتی ناوه‌پراست وه‌ک شه‌ری مۆدیلی کێپه‌رکی چاره‌سه‌ری قه‌یرانه‌کان ده‌ستنیشان بکه‌ین، ده‌توانین به‌ ۳ مۆدیل و رییازی ناوزه‌دیان بکه‌ین؛

یه‌که‌م: مۆدیلی مۆدیریت‌ه‌ی سه‌رمایه‌داری جیهانی به‌پیشه‌نگایه‌تی ئه‌مریکا - ئیسرایله‌، که‌

جیهان، رۆژه‌لاتی ناوه‌پراست به‌گشتی و کورستان به‌تایبه‌تی که‌ وه‌ک ناوه‌ندی مملاتییه‌کانی سه‌یه‌مین شه‌ری جیهانی ده‌ناسرێ له‌ ناو قه‌یران و گێژاوێکی هه‌مه‌لایه‌نه‌ دا به‌ قوناغ‌یکی زۆر هه‌ستیار، میژوویی و چاره‌نووسسازدا تیده‌په‌رین. هه‌رپۆه‌ ریبه‌ر ئاپۆ پرۆژه‌یه‌کی له‌ پیناو چاره‌سه‌رکردنی پرسه‌کانی؛ ریکخستن کردنی کۆمه‌لگه‌، سیسته‌می حوکمرانی و چۆنیه‌تی دیموکراتیزه‌کردنی کۆمه‌لگه‌ داڕشته‌وه‌. هه‌روه‌ها به‌ مه‌به‌ستی رزگاربوون له‌و قه‌یرانه‌ی که‌ سه‌ره‌جه‌م سیسته‌می سیاس‌ی، بیردۆزی، ئابووری و کۆمه‌لایه‌تی جیهانی تووشی دارمان و هه‌لوه‌شانه‌وه‌ کردووه‌. پێش دیتن و درک کردن به‌ قوناخه‌کان و تایبه‌تمه‌ندیه‌کانی سه‌یه‌مین شه‌ری جیهانی که‌ زله‌یزه‌ هه‌ژه‌مۆنگه‌راکان له‌ سه‌رگۆی

له پێناو دهستبهسهر داگرتنی سهراچاوه و كانزاكانی وزه، ههروهها حاكميهت به سهرا ریگاكانی گواستنوه و بازگانییدا شهرو ئاژاوهی دژه مروفانه ههلهگیرسێن. بۆ وینه شهپری غهززه - ئیسرائیل و لیدان له حماس و حووسیه کانی یه مهن. پێشتر ئهم هیزانه زۆرتر سوودیان له ریکخراوه جیهادی و توندئاژۆ ئیسلامیه سیاسیه کانی وهک؛ (ئهلقاعیده، ئهساروئیسلاام و داعش) بۆ ئامانجی سیاسی و ئابووری وهردهگرت.

دووهم: مۆدیلی هیزه قهواره پارێزه ههڕیمیه کانی وهک (تورکیا، ئێران، لوبنان، یونان، قهتهر، ئیمارات، عهرهستان و ... هتد) که خوازیاری گۆرانکاری نین و رازین به ئه و پێگه ژئۆستراتژی و جوگرافیای سیاسی که له ناوچه کهدا له دوا دووهه مین شهپری جیهانییدا به دهستیان هیناوه. ههرا له ناو ئهم مۆدیلهدا رووسیه و چین ههرا که خوازیاری فراوانخوازی ههژمونی سیاسی - ئابوورین. واته رووسیا به ههلهگیرسانی شهپری ئۆکرین له ژیر ههرا و ئایدیۆلۆژیای ئوورئاسیادا ههولێ پهلهاوێشتن و فراوانخوازی دهسهلاتی خۆی دههات. له لایهکی ترهوه چین به دوا دهرفهتیک دهگهڕێ که له ناو ئهم قهیران و ئالۆزیا نهدا ولاتی تایوان به گشتی په یوهستی دهسهلاتی سیاسی خۆی بکات.

سێهههه: مۆدیرنیهی دیموکراتیکی گه لانه که له پێناو چارهسههری ئاشتیانه و دیموکراتیا نه سهرا بنه مای سیاسهتی دیموکراتیک و نه ته وهی دیموکراتیکدا ههولێ چارهسههری کیشه نه ته وهی، کۆمه لایهتی، سیاسی، ئابووری، چاندی و ئه خلاقیه به پێشهنگایهتی ژنان و گه نجان له دهروهی دام و دهزگا کانی دهولت و دهسهلات دههات. ههروهها له مۆدیلهدا ئامانج له ریکخستن کردن و به هیزکردنی کۆمه لگه دوو خالی

بنه پرتیه: یه کهم؛ کۆمه لگه بتوانی سهرا به خویانه له دهروهی دام و دهزگا کانی دهولت و دهسهلات کیشه کانی خۆی چارهسهرا بکات. دووهه؛ تاک و کۆمه لگه له چوارچێوهی ئیرادهی ئازاد له پێناو پیکهتانی ژبانی ئازاد دا خۆی به پێوه ببات. جێی ئاماژهیه که ههرا دوو مۆدیلی مۆدیرنیهی سهرا مایه داری جیهانی و هیزه قهواره پارێزه کان به هۆی هاوبهشیان له بواری زهینیهت و تێروانیان بۆ چه مکه کانی وهک؛ دهولت - نه ته وه، دهسهلات، ناوه ندگه رای، پێشه سازیکه رای، ره گه زگه رای، هه لسووکوت و ژبان له گه ل ژن و سروشتدا. زۆر جار له دژی مۆدیلی مۆدیرنیهی دیموکراتیک که کۆمه لگه به پێشهنگایهتی ژنان و جوانان به بنه ما ده گری هیرش ئه نجام دههات. بۆ وینه ریکهوتنی ئه مریکا و ولاتی ئه وروپا بۆ پێگه یاندنه سهرده سهلاتی که سیکی وهک جۆلانی که سهرا کرده ریخراویکی ئیسلامی "تحریر الشام" له سوریا بوو .

به مه بهستی باشت رتیگه یشتن له باب ته که ئاماژهیه کی کورت به کپۆنۆلۆژیای قوئاغه کانی ئاگر بهست و راگرتنی خه باتی چه کداری پێویسته: ۱- ۱۷ ئادار ۱۹۹۳ . ۲- ۲۶ ئه یلول ۱۹۹۵ . ۳- ئاگر به سی ۱۹۹۹ له پێناو پووجه لکردنه وهی پیلانگیر نیو نه ته وه ییه . ۴- له ته مموز هه مان سالداه به درێژکردنه وهی ئاگر بهست و کشانه وهی گه ریلا بۆ باشووری کوردستان، ههروهها له جووتیهی هه مان سالداه به ناردنی دوو گرووی ئاشتی له تورکیا و له ئه وروپا به مه بهستی نیازپاکی و سهرا خستنی پرۆسهی ئاشتی ریکخرا که له ئه نجامدا دهولتهی تورکیا ههرا دوو گرووی ئاشتی به تۆمهتی ئه ندامیتهی له په که که دادگایی و زیندانی کران. ۵- ۱ جووتیه ۲۰۰۶ . ۶- ۱۹ جووتیه ۲۰۰۹ بۆ جاری دووهه ناردنی دوو گرووی ئاشتی له مه خموور و له قه ندیلوه بۆ تورکیا

۷. - ئەیلوول ۲۰۱۰ جاريكىتر ئاگرېس راگېندرا
۸. - ۲۱ ئادار ۲۰۱۳ كە بې بەشدارى ۳ مليون
كەس پەيامى رېبەر ئاپو كە خوازىارى پېكېتېننى
پروڭسەي ئاشتى و چارەسەرى دېموكراتىيە بوو
خوتېندرايەو.

شايانى باسە كە بې ئامانجى سەرخستنى
پروڭسەي ئاشتى و پېكېتېننى كۆمەلگەي
دېموكراتىك، لە ئادارى ۲۰۰۶ رېبەر ئاپو بې
رېگەي مانېفستوى "پاراستنى گەلىك" دا خوازىارى
گۆرېنى پارادايىم بوو. بۆيە كۆلەكەكانى پارادايىمى
نويى لە سەر بىنەماي "دېموكراسى، تېكۆلۆژى
و ئازادى ژن" دارشت و پروڭسەي سىستەمى
كونفدرالىزىمى دېموكراتىكى بونىاد نا و بې
بەرفراوانى فورمولبەندى كرد، هەروەها لە سالى
۲۰۰۵ بەدواو لە بوارى تيوورى و كىردارى لە
ئاست ئەندامانى پەكەكە و پېكەتەي كۆمەلگەدا
خەباتى رېكخستنى و پېگەياندنى بېرېوۋە.
بە هېرشى حەماس لە ۷ى جووتمەي "تۆكتۆبەر"
۲۰۲۳ بۆ سەر ئىسرائىل و هېنانە سەر حوكمى
جۆلانى لە ۸ى ئادارى ۲۰۲۵ لە سوورىا
هاوسەنگى هېز لە نېوان هېزەكانى مۆدېرنىتەي
سەرمایەدارى و هېزە قەوارە پارېزەكان بې
قازانجى مۆدېرنىتەي سەرمایەدارى تېكچوو. بۆيە
دەرفەتى بې كىردەيى كىردنى سىياسەتى نكۆلى
و قىركىردنى كۆمەلگە و گۆرانكارى لە نەخشەي
سىياسى رۆژھەلاتى ناوہپراست لە لايەن ئەمريكا
وئىسرائىل كە بېرۆكەي فراوانخوازى و هەژمۆنى
هېزە جېھانىەكانە دەستى پېكىرد.

لەم قەيران و ئالۆزىيانەي رۆژھەلاتى ناوہپراست
دا كە شەپرى مۆدېلى چارەسەرى و بېرېوۋەبىردنە.
مۆدېلى مۆدېرنىتەي دېموكراتىك لەلايەن
دامەزىنەر و ئەندازىارى ھىز و رامانى ژيانى
ئازاد رېبەر ئاپو دارپژراوہ. ئەم مۆدېلە لە
چوارچىوہى كوردستان و ھەريمى رۆژھەلاتى

«بانگەوازى خۆھەلۆھەشاندىنەوہى
پەكەكە و راگرتنى خەباتى
چەكدارى لە باكوورى كوردستان،
بە واتاي دەستھەلگرتن لە
تېكۆشان بۆ گەيشتن بې ئازادى و
مافە رەواكانى كورد نېيە؛ بېلكوو
بوژانەوہ و قەلەمبازىيەكى نوئى
و سەردەمىيانەيە بې گويىرەي ئەو
دەرفەت و دەستكەوتى سىياسى
- ياسايى و كۆمەلایەتپانەي كە
پېشتىر لە رېگاي خەباتى چەكدارى
بەدەستھاتوون دەرەخسېنېت»

ناوہپراست دا بەرەو مۆدېلى جېھانى و گەردوونى
ھەنگاو دەنى. تەنانت لە ئاست سۆسيال
ئەنترناسيۆنال دا ئاستىكى بەرچاوى بەدەست
ھېناوہ و بوەتە كانگاي ھىوا و ئومېد بۆ گەلان
. دەتوانىن بلىين سۆسياليزمى دەولەت - نەتەوہ
دوای ۷۰ سال دەسەلاتدارى و دەولەتدارى تووشى
قەيرانى بىردۆزى و ھەلۆھەشانەوہ بوو! بۆچى ؟
چونكە خۆى لە بوارى سىستەمى ھىزى سىياسى و
حوكمرانى دا نوئى نەكردەوہ و خۆى لە عەقلىەتى
دەولەت - نەتەوہ رىزگار نەكرد.

لە رېبازى تېكۆشىنى رېبەر ئاپودا سەبر و
خوپاگرى، لە ھەمان كاتدا سووربوون لەسەر
گەيشتن بې راستىەكان وەك پىرەنسىپ و رېچكەي
خەبات بې بىنەما دەگىردىن. بۆيە لە سالانى
۱۹۹۳وہ بې راگەياندنى ئاگرېست و راگرتنى
خەباتى چەكدارى، پېداگرى لەسەر خولقاندنى
مروڭ و كۆمەلگەي ئازاد و دېموكراتىك دەكات.



رۆژئاوای کوردستان و رۆژهلاتی ناوین و گشتی جیهان بوو. بۆیه رێبه ر ئاپۆ ستراژی ئاشتی و کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیکی له‌ سه‌ر هێلی سیاسه‌تی دیموکراتی و نه‌ته‌وه‌ی دیموکراتیک دارشت.

بانگه‌وازی خۆه‌لوه‌شانده‌وه‌ی په‌که‌که‌ و راگرتنی خه‌باتی چه‌کداری له‌ باکووری کوردستان، به‌ واتای ده‌سته‌لگرتن له‌ تیکۆشان بۆ گه‌شتن به‌ ئازادی و مافه‌ په‌واکانی کورد نییه‌؛ به‌لکوو بوژانه‌وه‌ و قه‌له‌مبازییه‌کی نوێ و سه‌رده‌میانه‌یه‌ به‌ گوێره‌ی ئه‌و ده‌رفه‌ت و ده‌ستکه‌وته‌ی سیاسی - یاسایی و کۆمه‌لایه‌تیانه‌ی که‌ پێشتر له‌ رێگای خه‌باتی چه‌کداری به‌ده‌سته‌تاتوون ده‌رخسێت.

لێره‌ به‌دواوه‌ قۆناخی خه‌بات و تیکۆشانی سیاسی - یاسایی له‌ په‌رله‌مانی تورکیا به‌پێشه‌نگایه‌تی و رێوه‌بردنی رێبه‌ر ئاپۆ ده‌ست پێده‌کات. واته‌ ئیدی له‌سه‌ر ناوی په‌که‌که‌ کار و خه‌بات به‌رێوه‌ ناچێت؛ به‌لام له‌سه‌ر میژوو، فه‌لسه‌فه‌، رێباز، رۆح و میراته‌ی چاند و ئه‌خلاق، پارادیگما و بیردۆزی په‌که‌که‌. به‌هێزتر، به‌ مۆرال تر و به‌ جۆش و خرۆشیکێ نوێ تر له‌ جاران، خه‌باتی قۆناخیکی نوێ له‌ پێناو پێکهێنانی سۆسیالیزمی کۆمه‌لایه‌تی تیکۆشان ده‌ستپێده‌کات. سۆسیالیزم له‌سه‌ر بنه‌مای تێروانین و چه‌مکی ده‌ولت - نه‌ته‌وه‌، ئیقتدار، ده‌سه‌لاتداری و ناوه‌ندگه‌راییی و ده‌ولتگه‌راییی تێپه‌راندن و رێبازی تیکۆشینی رێکخستن کردن و به‌هێزکردنی کۆمه‌لگه‌ به‌ پێشه‌نگایه‌تی ژنان و جوانان له‌ ده‌ره‌وه‌ی عه‌قلیه‌ت و چه‌مکی ده‌ولت - نه‌ته‌وه‌یه‌.

رێبه‌ر ئاپۆ وه‌ک که‌سایه‌تییه‌کی سۆسیالیزمی زانستی، تاک - کۆمه‌لگه‌ وه‌ک نرخیکێ بنه‌په‌رتی سه‌یریان ده‌کا. هه‌مان کات پابه‌ندبوونی رێبه‌ر ئاپۆ به‌ گه‌ل له‌سه‌ر بنه‌مای خاوه‌ن ئێرا ده‌ی سه‌ربه‌خۆ بوون و متمانه‌ به‌ خۆبوون وه‌ک پێوانه‌یه‌کی حاشا هه‌لنه‌گره‌. له‌ شێواز و رێبازی رێبه‌ر ئاپۆدا له‌ نه‌بوون و بێ ده‌رفه‌تی سیاسی - رێکخه‌ستی و کۆمه‌لایه‌تیدا، هه‌بوون و ده‌رفه‌تی سیاسی - رێکخه‌ستی و کۆمه‌لایه‌تی خولقاندن، له‌ هه‌مانکاتدا ئه‌و ده‌رفه‌ت و هه‌بوونه‌ پێشخستن و پاراستنیان پێوانیکی تیکۆشانی ئازادیه‌. له‌لایه‌کی تره‌وه‌ له‌ ئه‌نجامی خۆپاگری رێبه‌ر ئاپۆ و گه‌ریلا سیسته‌می سیاسی - ئابووری تورکیا تووشی قه‌یران و بۆشاییه‌کی ئه‌منی بوو. رێبه‌ر ئاپۆ ئه‌م بۆشاییه‌ سیاسیه‌ و هه‌ره‌شه‌ی ئه‌منی له‌ سه‌ر تورکیا به‌ سه‌ردانی ده‌ولت باخچه‌لی سه‌رۆکی پارتی نه‌ته‌وه‌ په‌رستی تورکیا که‌ عه‌قلیه‌تیکێ نه‌ژاده‌په‌رست و قه‌که‌ری له‌ به‌رامبه‌ر تاک و کۆمه‌لگه‌ی کوردی هه‌یه‌ وه‌ک ده‌رفه‌تیکێ زیڕین بۆ تیکۆشانی ئاشتی و پێکهێنانی کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک ره‌خساند و له‌ ۲۷ی شووباتی ۲۰۲۵ بانگه‌وازی تیکۆشانی ئاشتی و پێکهێنانی کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیکی راگه‌یاندا که‌ پێشوازییه‌کی جیهانی و هه‌ریمی لێکرا. واته‌ تیکۆشینی سۆسیالیزمی کۆمه‌لگه‌ی دیموکراتیک له‌ چوارچێوه‌ی سیسته‌م و پرۆژه‌ی کۆنفدرالیزمی دیموکراتیکی گه‌لان به‌ پێشه‌نگایه‌تی ژنان و جوانان به‌ خۆه‌لوه‌شانده‌وه‌ی په‌که‌که‌ و راگرتنی خه‌باتی چه‌کداری پێشکه‌شی کۆنگره‌ی ۱۲مین په‌که‌که‌ و رای گشتی جیهان کرد.

مه‌به‌ست له‌ راگرتنی خه‌باتی چه‌کداری و هه‌لوه‌شانده‌وه‌ی په‌که‌که‌ پووچه‌لکردنه‌وه‌ی هه‌موو جۆره‌ سیاسه‌تیکێ نکۆلی و قه‌کردن و بیانووی هێرشکارانه‌یه‌ بۆ سه‌ر ده‌ستکه‌وته‌کانی خه‌باتی ۵۲ ساڵه‌ له‌ باکووری کوردستان و

هاوپه یمانی ئیبراهیمی به شیک له نه خشی نوئی رۆژه لاتى ناوین



✍ نارهام کهریم

فهرمى دانیان به ئیسرائیلدا نه نابوو و به ئامانجی نوڤمایلزیه کردنی په یوه ندیه کانی ئه و ولاتانه له گه ل ئیسرائیلدا ده گوتړیت. له ئامانجه سه ره کیه کانی ئه م هاوپه یمانییه، به ستنی په یوه ندی سیاسی و بازرگانی له نیوان ئیسرائیل و گه شه پیدانی هاوکارییه ئابورییه کان، ته ندروستی و ته کنه لۆژیا و بهرگرییه و له هه مانکاتدا هه ولێکه بۆ بهر زکردنه وهی گوایه جوړیک له ناشتی و سه قامگیری له ناوچه که دا.

زۆرێک له ولاتان و خه لکی ناوچه که له وانه فه له ستینه کان ئه م هاوپه یمانییه رهت ده که نه وه، به هۆی ئه وهی دلیا نیین له وهی که ئه م

هاوپه یمانی ئیبراهیمی، هاوپه یمانییه کی ئه منی - ئاسایشی - سیاسیه که له ۱۵ تشرینی یه که می سالی ۲۰۲۰ وه به نیوه ندگیری و یلیه ته یه کگرتوه کانی ئه مریکا و له یه که م خولی سه رۆکایه تیکردنی ئه مریکا "دۆنالد تره مپ" و ژماره یه ک له ولاتانی عه ره بی و ئیسرائیل واژۆی له سه رکراوه. ئه م هاوپه یمانییه له لایه ن ئیسرائیل، ئیمارات، به حره ین، مه غریب و سودانه وه دانی پیدانراوه و به شداریان تیدا کردوه. ئه ساسه ن ئه و هاوپه یمانییه به شیوه یه کی فۆرمال به ریککه وتنیک ده گوتړیت که له نیوان ئیسرائیل و ئه و ولاتانه ی که پیشت به شیوه یه کی

له ریککه و تننامه ی ئیراهیمی کرد و ئەو ریککه و تننامه یان وهك ههنگاوێکی پۆزه تیف له چوارچێوهی ناشتی و ئاسایش له ناوچه که به ناو کرد.

له گهڵ هه موو ئەوانه دا ده توانین بڵین كه ریککه و تننامه ی ئیراهیمی ههنگاوێکه له چوارچێوهی ئاسایی کردنه وهی په یوه ندییه کانی نیوان ئیسراییل و ژماره یهك له ولاتانی عهره بی و ئەم ریککه و تننامه یه ده توانیت بیته زه مینه سازیهك بۆ هاوکارییه ئابوری، ئەمنی، چاندیه کانی نیوان هه ر دوولایان.

له بنه مادا ئەم ریککه و تننامه یه رێگره له بوونی هه ر گرووپ، یا خود ئەجێندایه کی دژه ئیسراییلی له ناوچه که دا و ئەمهش به واتای بوون و داننان به ئیسراییلیکی به هیژ و خاوه ن هه ژمونه له ناوچه که و سه پاندنی پێگه ی به هیژی ئیسراییل وهك ولاتیکی خاوه ن هیژ و هه ژمون له چوارچێوهی دارشته نه وهی سیسته می جیهانی و رۆژه لاتی ناوینی نوێ دا.

ئه مریکا به رێگه ی ریککه و تننامه ی ئیراهیمی چه ند ئامانجێکی پێکا، وهك ئەوهی رێگری بکات له پێکدادانی سه دان ساله ی نیوان ئیسراییل - یه هودییه کان له گهڵ ولاتانی عهره بی و موسلمان و پێکهێنانی به ره یه کی هاوبهش له ولاتانی هاو پرستا له گهڵ ئەمریکا و ئیسراییل له به رامبه ر به هه ر شه کان له سه ر هه ردوولایان و به هیژکردنی پێگه ی ژۆپۆلیتیکی ئەمریکا له ناوچه ی رۆژه لاتی ناوین و له هه مانکاتیشدا شکاندن و تیپه پراندنی ئەو مۆدیله ده سه لاتداریه تی و بالاده ستیه ی له ئەنجامی هه ردوو شه ری جیهانی یه که م و دووه مه وه له ناوچه که له سه ر ده ستی به ریتانیا و فه ره نسا و ئەلمانیا له که سایه تی ئێران و تورکیادا به سه ر ناوچه که دا سه پاوه. ئەوه شی به پراکێشانی ولاتانی عهره بی بۆ ناو ستراتیژییه تیه کی

هاوپه یمانیه به توانیت چاره سه ری کیشه کانی فه له ستینیه کان بکات، هه ر له به ر ئەوهش ئەم هاوپه یمانیه یان ره ت کرده وه و به هه موو شیوه یهك دژایه تیان کرد، رهنگه ئەم بیانوهش ته نیا هوکارێک بێت له ده یان برۆبیانووی جیا بۆ ره تکردنه وهی ئەم هاوپه یمانیه. ئەوان ئەم هاوپه یمانیه به خیانه ت به ئامانجه کانی فه له ستین و لاوازکردنی هه وله کان بۆ به ده سه ته یانی رێگه چاره ی دوو ده وله تی ده زانن، ته نانه ت له دوای ئەم هاوپه یمانیه وه نا ره زایه تی به رفراوان له ناوچه جیا جیا کانی فه له ستینیه کانیش به رپۆوه چوو و هه ندێ گرووپی فه له ستینی رۆژی پانزده ی سپتامبه ری ۲۰۲۰ یان وهك رۆژی توو ره یی راگه یاند.

رژیمی ئێرانی هه ر له و کاته دا ئەم ریککه و تننامه یه ی شه رمه زار کرد و وهك هه ولدانیك له چوارچێوهی خزمه ت به به رژه وه ندییه کانی ئەمریکا و ئیسراییل به ناوی کرد و ته نانه ت وته بیژێ وه زاره تی ده ره وهی ئێران له و کاته دا ئەم ریککه و تننامه یه ی به خیانه ت دژ به فه له ستینیه کان ناوزه د کرد و به ریککه و تننیک بۆ خو ش خزمه تی به به رژه وه ندییه کانی ئیسراییل و ئەمریکا ناوی لێنا.

سعودیه ی عه ره بستان به شیوه یه کی فه رمی پشتیوانی له ریککه و تننامه ی ئیراهیمی نه کرد، به لām به شیوه یه کی نافه رمی پیشوازی له ریککه و تننامه که کرد. سعودیه هه ر ئەو کاتهش رایگه یاند که به دوای ناشتی له گهڵ ئیسراییلدا یه، به لām جه ختیشی له وه کرده وه که ئەمه ده بی ت به گوێره ی رێگه چاره ی دامه زراندنی دوو ده وله تی بۆ فه له ستینیه کان و ئیسراییل بێت.

ژماره یه کی تر له ولاتانی عهره بی وهك میسر و ئەردهن که پیشتر له گهڵ ئیسراییل ریککه و تننامه ی ناشتیان واژۆ کردبوو، پیشوازیان

به‌رفراوان و به‌هیز له‌جۆری ناتۆی عه‌ره‌بی - ئیسرائیلی - ئەمریکی و دامه‌زراوه‌یی بۆ به‌ره‌نگاربوونه‌وه‌ی سیاسه‌تی ملهو‌رانه‌ی رژیمی ئێران له‌هه‌ریمه‌که‌دایه‌.

له‌راستای رێککه‌وتنه‌وه‌ی ئیبراهیمی دا‌گرن‌گه‌ ئه‌و گروپ و بزوتنه‌وه و بزواتنه‌ی له‌سه‌ر ده‌ستی ئێران و تورکیا به‌تایبه‌تی و به‌هاوکاری وڵاتانی ئه‌وروپی له‌هه‌ریمه‌که‌ به‌رێک‌خستن کراون ته‌سفیه و بێ چه‌ک بکړین، هێرشه‌ چه‌وتی ئۆکتۆبه‌ری هه‌ماس بۆ سه‌ر ئیسرائیل و گونده‌واری ئه‌و وڵاته‌ به‌شێک له‌و پیلانه‌ بوو بۆ ده‌ست‌یوه‌ردانی راسته‌وخۆی ئیسرائیل و ئەمریکا، چونکه‌ هه‌ماس ته‌نیا بزوتنه‌وه‌یه‌کی دژه‌ ئیسرائیلی نه‌بوو، له‌هه‌مان‌کات‌دا به‌هۆی ئه‌و په‌یوه‌ندیانه‌ی به‌ده‌وله‌تی تورک و رژیمی ئێرانه‌وه‌، دژ به‌ژماره‌یه‌ک له‌وڵاتانی عه‌ره‌بی له‌وانه‌ ئیسرائیل و میسر و ئه‌ردهن و سه‌عوودی‌ه‌ش بوون. هاندانی هه‌ماس بۆ هێرشه‌ سه‌ر ئیسرائیل له‌لایه‌ن ده‌وله‌تی تورکه‌وه‌ و ئیستخباراتی نێوده‌وله‌تی به‌دوو ئامانج پێکهات:

یه‌که‌م رێگری کردن له‌پروژه‌ی رێپه‌وه‌ی

«ئهم رێککه‌وتنه‌وه‌یه‌ رێگره‌ له‌بوونی هه‌ر گروپ، یا خود ئه‌جێندایه‌کی دژه‌ ئیسرائیلی له‌ناوچه‌که‌دا و ئه‌مه‌ش به‌واتای بوون و دانان به‌ئیسرائیلیکی به‌هیز و خاوه‌ن هه‌ژموونه‌ له‌ناوچه‌که‌ و سه‌پاندنی پێگه‌ی به‌هیزی ئیسرائيله‌ وه‌ک وڵاتیکی خاوه‌ن هیز و هه‌ژمون له‌چوارچۆیه‌ی دارشته‌وه‌ی سیسته‌می جیهانی و روژه‌ه‌لاتی ناوینی نوێ دا»

بازرگانی جیهانی "هیندستان، ئه‌ردهن، ئیسرائیل، یۆنان، ئه‌وروپا - ئەمریکا. دووهم، راکێشانی رژیمی ئێران له‌شه‌ری ئیسرائیل - ئەمریکا بوو، به‌لام به‌کاردانه‌وه‌ی



بههیزی ئه مریکا و ئیسرائیل هه م هه ماس و هه م
هیزبۆللا و هه م حوسیه کان و سوریا و لوبنانیش
وهك به شێك له پلانی ته سفیه کردنی ئه و بزواته
دژه ئیسرایلی - ئه مریکی له ناوچه که به ره و
ته سفیه و پاکتاوکاری بران و ئیستاش شه په که
به هۆی ململانیکانی ئیران و ده ولته ی تورکه وه
گه یشتوو ته به رده رگای هه ردوو یان و وهك فارس
ووته نی و شتر له به رده رگای هه ردوو ده ولت و
رژیمدا خه وتوو و له هه ر ئان و ساتیکدا ره نگه
ئه و شه ر و ململانی و ناکوکیانه له ئیران و تورکیا
سه ره له بدن و به هه زاران مروف ببه قوربانی

«ئه گه ر ده ولته ی تورک و

ئیران ده یانه ویت ریگری

له ده ستیوه ردانی ده ره کی بکه ن،

ده بیئت له بابه تی دانان به ئیراده

و خواست و بوون و ناسنامه ی

گه لاند له نیوخو هه نگاوی

به رچاو بهاوێژن و له هه مانکادا

به دیدیکی به رفراوانتر و به رینتر

به ده م ده ستپیشخه ری ریبه ری

گه لی کورد "ریبه ر ئاپۆ"، بۆ ئاشتی

و بونیادنانی کۆمه لگه یه کی

دیموکراتیکه وه بنین و

خۆه له شه شاندنه وه ی په که که ش

وهك تاکه ده رفه تی میژوو یی

بۆ رزگار بوون له قه یران و کیشه

که له که بووی سه دان ساله یان

ببینن»

ناکوکیه نیوخویهکانی ئه و دوو ولاته.
له پرۆژه ی رۆژه لاتی ناوینی نوێ دا و
به ریکه که و تننامه ی ئیبراهیمی ریگه به مانه وه و
بوونی ده سه لاتی ناوه ندگه را و توندئاژۆ و تۆتالیتار
نادریت، ته نانه ت ریگه به بیری سه له فیه ت و
ئیخوانیزمی وشکی دیکتا تۆرانه و تاکره وانه ش
نادا؛ چونکه ئه م مۆدی لانه خۆی له خۆیدا
له داها توو دا ده بنه له مپه ر و مه ترسی و هه ره شه
بۆ سه ر ریکه که و تننامه ی ئیبراهیمی و ده بیئت له و
چوارچۆیه شه دا هیچ گروپ، تاخم، هیزب که
له ده ره وه ی سیسته می مۆدی رنیته ی سه رمایه دارین
په سه ند نه کری ن و بگه ره هاوشی وه ی هه ماس و
هیزبۆللا و حوسیه کان په لاماریان بدریت. چونکه
سیسته می سه رمایه داری ئه و مۆدی لانه به مه ترسی
بۆ سه ر خۆی ده بینیت، ته نانه ت هه موو
بزواته نه ته وه یی و ده ولته گه را و سوسیالیزمی
ده ولته گه را و چه پی کلاسیکیش وهك بییریکی دژه
ئیسرایلی له داها توو ی ناوچه که ده بینن. ده ولت
- نه ته وه کان ی ناوچه که ش به تاییه تی ئیران و
تورکیا هه م وهك ده ولته تیکی به هیزی نه ته وه یی
په سه ند نا کری ن، به تاییه تی ئه گه ر خاوه ن چهك
و چۆلی ناوه کی و به هیز بن یا خود په یوه ندیان
به و بزواته دژه ئیسرایلیه وه بیئت، به توندترین
شیوه رت ده کری نه وه و ئه مریکا و ئیسراییل وهك
بزوی نه رانی سیسته می مۆدی رنیته ی سه رمایه داری
هه ولتی به رته سک کردنه وه و بچوو ک کردنه وه ی ئه و
ده ولت و رژێمانه بدن و ده ستیوه ردانی ئه و
دوو ده ولته شه به هینانه سه رده سه لاتی جۆلانی
له سوریا و تیکشکاندن هه ماس و هیزبۆللا و
حوسیه کان مۆداخه له کردنی هه ردوو یان خیراتر
کردوه. بۆیه چه ند به په له هه ولتی گۆرینی
سیسته می سیاسی، به ریوه به رایه تی و تیروانییان
بۆ چاره سه ری کیشه و گرفته نیوخویی و
ده ره کیه کانیان نه ده ن و هه نگا و به ئاراسته ی

و نه دادی ئیران ده‌دات، چونکه هه‌م قه‌ته‌رو هه‌م سعودیه‌ی و ئیمارات وه‌ك پپو‌یست به‌شداریان تیدا نه‌كرد و ئه‌و لووتكه‌یه نه‌یتوانی شتیك چاره‌سه‌ر بكات، چونكه پپشتر له‌لایه‌ن تره‌مپ هه‌م له‌سعودیه و قه‌ته‌ر و ئیمارات و كۆبوونه‌وه‌ی له‌گه‌ل حه‌وت و لا‌تی هاوكاری كه‌نداوی عه‌ره‌بی پیکهاتبوو، بۆیه لووتكه‌ی عه‌ره‌بی نه‌نجامیكی ئه‌وتوی لینه‌كه‌وته‌وه‌.

له‌به‌ر ئه‌م هۆكارانه‌ی ئاماژه‌مان پیکرد، ئه‌گه‌ر ده‌وله‌تی تورك و ئیران ده‌یانه‌و‌یت ریگری له‌ده‌ستیوه‌ردانی ده‌ره‌کی بکه‌ن، ده‌ییت له‌بابه‌تی دانان به‌ئیراده و خواست و بوون و ناسنامه‌ی گه‌لاندا له‌ئیوخۆ هه‌نگاوی به‌رچاو بهاو‌یژن و له‌هه‌مانكاتدا به‌دیدیک‌ی به‌رفراوانتر و به‌رینتر به‌ده‌م ده‌ستپیشخه‌ری ریبه‌ری گه‌لی کورد"ریبه‌ر ئاپۆ"، بۆ ناشتی و بونیادنانی کۆمه‌لگه‌یه‌کی دیموکراتیکه‌وه بنیین و خۆه‌لوه‌شاندنه‌وه‌ی په‌که‌که‌ش وه‌ك تاکه‌ ده‌رفه‌تی میژوویی بۆ رزگاربوون له‌قه‌یران و کیشه‌که‌له‌که‌بووی سه‌دان ساله‌یان بینن.

دیموکراتیزه‌کردن و گۆرانکاری بنه‌په‌تی نه‌هاو‌یژن، ئه‌وا ناتوانن له‌ده‌ست ئه‌و ته‌ه‌ژم و گه‌رده‌لوولی نا‌ره‌زایه‌تی گه‌لان له‌ناوچه‌که هه‌لی کردوه و هه‌وله‌ چاوچنۆکه‌کانی سیسته‌می نو‌ی جیهانی"مۆدیرنیته‌ی سه‌رمایه‌داری" رزگاریان ییت.

ریککه‌وتنی ئیبراهیمی وه‌ك ئه‌وه‌ی پیناسه‌ی بۆ کراوه، ته‌نیا و لا‌تانی عه‌ره‌بی له‌خۆ ناگریت، دیاره ده‌ییت زۆرینه‌ی و لا‌تانی موسلمانان ناوچه‌که‌ش به‌تایبه‌تی ئیران و توركیا به‌جۆریك له‌جۆره‌كان دانی پیدان بنیین و په‌سه‌ندی بکه‌ن و به‌ند و خاله‌کانی جیه‌جی بکه‌ن. لیدوانه‌که‌ی تره‌مپ له‌سعودیه‌ی عه‌ره‌بستان بۆ سوریا بۆ ئاسایی کردنه‌وه‌ی په‌یوه‌ندییه‌کانی له‌گه‌ل ئیسراییل، ئاماژه‌یه‌که بۆ عیراقیش بۆ ئه‌وه‌ی ئه‌وانیش به‌په‌له‌ له‌و رووه‌وه هه‌نگاو بۆ ئاسایی کردنه‌وه‌ی په‌یوه‌ندییه‌کانیان له‌گه‌ل ئیسراییل هه‌لینن. کۆبوونه‌وه‌ی لووتكه‌ی عه‌ره‌بی که‌ له‌م دوا‌یه له‌به‌غدا پیکهات وه‌ك دوا‌یین تیری به‌ره‌ی مقاومه‌ی ئیران به‌ناوکه‌را، که ئیدی نه‌دادی عیراق



معرفی کتاب

تاثیر و جایگاه کردها در سیر تمدن‌های این عهده یاد می‌شود. فصل دوم به بررسی عصر تمدن فتودالی دوران پس از اسلام اختصاص دارد و فصل سوم درباره «عصر تمدن سرمایه‌داری» است. در فصل چهارم از موقعیت زمانی و مکانی هویت ایدئولوژیکی و پیشرفت تمدن جدید سخن می‌رود. رهبرآپو در فصل پنجم این نکته را تشریح می‌کند که میراث فرهنگی خاورمیانه سنتز تمدن جدید است.

جلد دوم کتاب نیز فصل‌های ششم تا نهم را دربر می‌گیرد و به بحث درباره موضوع و پدیده «کرد» اختصاص دارد. در فصل ششم وضعیت و سرگذشت کردها با این مطالب به بحث گذاشته شده است: تعریف برخی اصطلاحات اساسی (مانند عشیره، ملت، دولت ملی، شهروندی و ملیت، جامعه رسمی و سنتی و مدنی، میهن دوستی و انتناسیونالیسم)؛ بعضی از حوزه‌ها در ارتباط با پدیده کرد و مشکلات راهکاری؛ چاره‌جویی برای تاریخ کرد؛ کردها در عصر سرمایه‌داری؛ جنبش اتنیکی ملی دموکراتیک کردها؛ به سوی راه حل مسئله کرد؛ دوره امارات فتودالی و سلطنت؛ دوره ملی‌گرایی، قیام و سرکوب؛ نوسازی جمهوری و مرحله راه حل دموکراتیک. در فصل هفتم، رهبرآپو از توطئه‌هایی که علیه کردها، به ویژه علیه حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) به کار رفته، صحبت می‌کند. همچنین در فصل هشتم نقش و ماهیت نظام حقوقی اروپا برای یافتن راه حل مسئله کردها را به چالش کشیده است. مباحث آخرین فصل مربوط به راه‌کارها و ایده‌آل‌های صلح و آزادی است.

برای دریافت فایل می‌توانید به سایت پژاک مراجعه نمایید

<https://pjak.net/fa> / ۱۱۶۱



کتاب صوتی «از دولت کاهنی سومر بسوی تمدن دموکراتیک»، از مجموعه دفاعیات رهبر خلق گُرد، رهبر آپو (عبدالله اوجالان) منتشر شد. کتاب دو جلدی حاضر، متن دفاعیه «رهبرآپو» برای ارائه به دادگاه حقوق بشر اروپا (لاسه) است که نسخه صوتی آن با هم تهیه و تنظیم گشته.

کتاب حاضر، متن مفصل دفاعیه رهبر خلق کورد، عبدالله اوجالان است که بیشتر از آن‌که دادخواستی شخصی و حقوقی باشد، مانیفستی است در دفاع از حقوق تاریخی کردها که بر پایه تحلیلی تاریخی از تمدن کهن خاورمیانه، با تاکید بر نقش کردها به رشته تحریر درآمده است؛ رهبر آپو در این دفاعیه مسئله کردها را از جنبه‌های مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بحث نموده و از حقوق آن‌ها دفاع می‌کند.

جلد اول کتاب حاضر مشتمل بر مباحث تاریخی است. در فصل اول از نقش تمدن سومر در پایه‌گذاری تمدن بشر و سپس از تمدن‌های مصر، دره‌های سند و پنجاب، چین، هیتی‌ها، هوری‌ها، میتانی‌ها، اورارتوها، مادها، کرت و همچنین از ظهور ادیان توحیدی و غیر توحیدی مانند زرتشت، بوداییسم، کنفوسیوس و در نهایت از تمدن یونان، تمدن برده‌داری روم، دولت ماد و پارس که تماماً از نظر او در دوره برده‌داری قرار داشتند صحبت شده. همچنین از خطوط



شەھىد باز زاگرۇس



شەھىد عەگىد بۆتان

شەھىدان

روناككەرەوھى رىئى تىكۆشانمانن

زیبایی خود آزاد است



Alternatív 37